

# آمریکاییها در آبهای ایران مشغول استخراج نفت اند!

یک شرکت آمریکایی که برای عربستان سعودی نفت استخراج می کند، در نقطه ای به مشخصات: طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۳۰ دقیقه، عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۷۰ دقیقه، به فاصله ۱۲ مایلی جزیره فارسی و باراه ۱۰۵ درجه از سکوی نفتی به جزیره فارسی، مشغول حفاری و نصب کل حفاری برای استخراج نفت است. نقطه مزبور در آبهای ایران واقع است!

مسئولین جمهوری اسلامی ایران باید پاسخ این پرسش را برای آقای مردم روشن سازند:

چرا آمریکاییها در آبهای ایران به حفاری جهت استخراج نفت مشغول شده اند و چرا از عمل جسورانه آنها جلوگیری قاطعانه بعمل نیامده است؟

خواستار پاسخ سریع از جانب مسئولان هستیم.

# چرا نارضائی ها رشد می کنند؟

- مواردی که به تشدید نارضائی ها و سوء خوردگی ها می انجامد
- قاطعانه از انزوای انقلاب و تضعیف آن جلوگیری کنیم

این درست است که دستها و مگزهایی شبانه روز در تلاش دامن زدن به نارضائی های مردم و دلبری آنها از انقلاب است، و اینهم درست است که نارضائی ها نه تنها رو به افول نیست، بلکه به اشکال مختلف رشد می کنند.

هوش و آگاهی زیاد نمی خواهد که درایم آن دستها و مگزهایی که زیر اجاق نارضائی های همزمین اندازند و گله ها و عنابها را بزرگ می کنند و در کوس و کرنا می دهند، به چه کسانی تعلق دارند. تنها ضدانقلاب و زخم دیدگان داخلی و خارجی انقلاب اند که از گسترش نارضائی ها سود می برند.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۷۷  
سه شنبه ۱۷ تیر ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

# توضیح درباره اتهامات آقای قطب زاده

(مخبر نامه مردم پیرامون باصطلاح «خبری» که نشریه انگلیسی «گزارش خارجی» چاپ کرده توسط برخی مقامات دولتی ایران ترجمه و پخش شده، با رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ملاقات کرده و پرسید که این «خبری» مدعی است شما در هفته اول ماه ژوئن (از ۱۱ تا ۱۸ خرداد) با پرزیدنت لئونید بروننوف و الکسی کاسیگین نخست وزیر و آندره گرومیکووزیر خارجه و گروهی دیگر از رهبران اتحاد شوروی ملاقات کرده اید و سپس در مراجعت با آقای مسعود رجوی «در پنجاهگانه مستحکمش در خارج تهران» دیدار نموده اید. صحت و سقم این خبر تا چه اندازه است؟)

در پاسخ رفیق کیانوری گفتما بطور رسمی اعلام میداریم که این نوشته تحریک آمیز، سرتاپا، در کلیت و تمام اجزایش، بی اساس و ساختگی است. رفیق کیانوری سپس اضافه کرد که در تمام دوران زندگی با رهبران نامبرده اتحاد شوروی و آقای مسعود رجوی هرگز دیداری نداشته است در عین اینکه چنین دیداری نه جرم است و نه خلاف قانون و نه خلاف مصالح ملی انقلاب ما.

بطوریکه اطلاع یافته ایم آقای قطب زاده اتهامات خود را درباره دیدار «هیئت آزر حزب توده ایران» از مسکو و ملاقات با رهبران شوروی متکی به خبری کرده است که در نشریه «گزارش خارجی» چاپ انگلستان در ۱۸ ژوئن چاپ شده است.

مأمین این خبر را که از طرف مقامات دولتی ترجمه و پخش شده است در زیر می آوریم تا تاملات متحکم که سازمانهای «مسیح» و «انلیجنت سرویس بیرون» دهندگان این «نشریه» سرهم کرده اند به قضاوت خود خوانندگان گذاشته شود.

ما این انتظار را داشتیم که با تشدید مبارزه در ایران و روشن شدن نقش موثر حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و مبارزه سیاسی و عملی اش علیه توطئه های ضد انقلاب که مسلماً مقامات مشغول دولت ایران از آن اطلاع دارند، امیرالیستها تمام تلاش خود را برای فلج کردن فعالیت حزب بکار خواهند برد. اما این نشانه دادن ساختگی بودن لاف لافاتی که در این «خبر» آمده کافی است به تناقض آشکار تمام «خبر» با نتیجه گیری آن بسا در نظر گرفتن منبع خبر، توجه شود.

اگر فرض کنیم که این خبر درست باشد و حزب توده ایران» بدستور «مسکو» مشغول تدارک واقداماتی برای سرنگون ساختن نظام جمهوری اسلامی است هر عقل سلیم باین نتیجه میرسد که چطور شد «سیاح» و «انلیجنت سرویس» که کمترین آرزویشان بر انداختن همین جمهوری اسلامی ایران است آنگاه در چه وجهی جمهوری اسلامی و امام خمینی دلبستگی و دلچسپی پیدا کرده اند که آنرا از «خطری» که از آنجا حزب توده ایران متوجهشان است (۱۱۱) بر حذر میدارند، خوب بود و وزارت خارجه ایران «مدافان» دیگری غیر از انتشار دهندگان مجله نشریه «گزارش خارجی» برای انقلاب ایران پیدا میکرد. تا آنکه در همین حال و جهت انگیز است که مقامات حاکم ایران سیاست خود را بر پایه اینگونه شکردهای دشمنان خون آشام انقلاب ایران یعنی امیرالیستها و آمریکائی و انگلیسی استوار می سازند و باز به دست تحریک آنان هستند.

حزب توده ایران علیرغم همه این دستها راه اصولی خود را در پیشبانی همه جانبه از انقلاب ایران ادامه خواهد داد زندگی و تاریخ نشان خواهد داد آن کسانی که اینگونه به ما با به حزب توده ایران اطمینان می دهند و مقام بقای ما، شمس قنات آبادی چای خواهد گرفت.

در شماره های آینده روزنامه، با تفصیل بیشتر به تناقضات فاش موجود در این خبر ساختگی خواهیم پرداخت. و اینست خود «خبر».

### در صفحات بعد

خانواده انقلابی، کانون محبت و وفاداری

میلیونها کودک ایرانی چوب محاصره اقتصادی امپریالیسم را میخورند

بقائی

جاسوس جنایتکار سیا، مستوجب تیرباران است نه تمجید و مدافعه

در جلسه دیروز مجلس، گروهی از نمایندگان خواهان محاکمه خسرو ریگی شدند

### قابل توجه

دوروز است کسانی که خود را «هواداران» آقای صادق قطب زاده معرفی می نمایند به نام «مرد» تلفن میکنند و موی از قشای او با خانه تار میکنند و مخصوص اگر بانوی از همکاران ما کوئی تلفن را بردارد به او ریگ تار و غلیظ ترس دمدمت میدهند و حتی تهدید میکنند که به اداره ما خواهند ریخت و جنایان را در کفستان خواهند گذاشت. ما بسیار بیخودیم که بن آقایان با اطلاع خود آقای قطب زاده مرتکب اینگونه حرکات نش شده اند. ولی هر تقدیر لازم استیم ایشان را نیز از این میان مطلع سازیم تا اگر توطئه ای دست تکوین است همگان آگاه باشند.

ظن قریب به یقین می آید است کسانی میخواهند با این کارها بوی دمیسه و ترسولگی از آن آید، مباحثات اصولی را به جرات شخصی بکشند. ما و امید با این افراد تذکره بدیم حزب توده ایران را بر تجربه بی نستی که پدم دمیسه گران و سازان بیفتند.

ما می آمویم اصولی خود را که بود ایران میدانیم دنبال خواهیم. به عملکرد افراد کارداریم بودمان.

### از: نشریه گزارش خارجی - چاپ انگلستان (لندن) مورخ: ۱۸ ژوئن ۱۹۸۰

## شوروی به کمونیست های ایران هشدار می دهد

هیئت برجسته ای از حزب (کمونیست طرفدار مسکو) توده ایران در هفته اول ژوئن بطور رسمی به همسفری سفری کرد. در این هیئت نورالدین کیانوری رهبر حزب، دبیران شاخه های حزب در تهران و تبریز و فرماندهان نظامی واحدهای رزمی اخلاک حزب شرکت داشتند. روس ها از دیدن نشان خوشحال نشدند، اما کمونیست های ایران هر وحشت زده میباشند.

هیئت حزب توده در کمین پاریس دیدت لوئیوید برنوف، الکسی کاسیگین نخست وزیر، آندره گرومیکو وزیر خارجه، فرماندهان ارتش روسیه از جمله فرمانده نیروهای که در مرز ایران استقرار یافته اند و یوری چوبوف نایب معاون چندین وزارت کشور کشور گالینا برژنوف (دختر لئونید برنوف) نیز می باشد، معاملات طولانی بعمل آورد.

چوبوف نایب در آغاز ماه مارس مسئولیت عملیات اطلاعاتی شوروی در ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه و امنیت داخلی جمهوری های روسی آسیای مرکزی را برعهده گرفت. این هیئت در دسامبر به هنگامیکه سیهید ویکتورویا پوتین در شب پیش از جمله شوروی به افغانستان، در کابل در گذشت، خالی شد.

دو نخستین ملاقات، رهبران روسیه با این تفاوتی به اظهارات نمایندگان حزب توده گورشا فرا داده و توجه خود را به گزارش های

روسای نظامی حزب معطوف ساختند. در دو روز در ملاقات اکران روسها حقایق مسلمی را در مورد وضع این حزب در ایران بیان داشتند. آنها می دانند که حزب توده در شهر های بزرگ ایران نفوذ چندانی ندارد و حتی نفوذ این حزب در سطر مشهور آن در میان کارگران نفتی نیز ضعیف است. روس ها یاد آور شدند که از همه بدتر اینست که حزب توده نتوانسته است با سایر گروه های مخالف متقابل به چابا اقبیل فدائیان، که در کردستان می جنگند، و میاهدین همبستگی بوجود آورد. این کار می توانست اقدامات حزب توده را در سرنگونی رژیم آیت... خمینی وسیع تر کند.

در آخرین ملاقات، برنوف، کاسیگین و گرومیکو که تا آن زمان سکوت اختیار کرده بودند به رهبران حزب توده دستور دادند که در حال حاضر از هر گونه توطئه ای علیه حکومت خود باری وجود آنها مقامات روسی گفتند حزب توده باید اول تمام نیروهای خود را متمرکز سازد و سپس با فدائیان و میاهدین همکاری نظامی برقرار کند. روس ها وعده دادند که با اعزام مشاوران نظامی کیفیت سازمان رزمی حزب را بهبود بخشید و وسایل های بیشتری نیز در اختیارشان قرار دهند.

بعضی آن که نمایندگان حزب توده به ایران باز گشتند همیشه با فرستادن تا پارچه های فدائیان ملاقات و سعی کند حساب مذاکرات را بکشانند. این اقدام امید بخش نبود. فدائیان اگر چه مارکسیست هستند ولی شدیداً با شوروی مخالفند. با این وجود آنها پذیرفتند که مجدداً مذاکره نمایند. پس از آن خود نورالدین (کیانوری) با مسعود رجوی رئیس جناح دست چپ میاهدین اسلامی در پنجاهگانه مستحکمش در خارج تهران دیدار نمود. کیانوری در این ملاقات پاسخ مشابهی دریافت داشت.

# چرا به حزب توده ایران تهمت میزنند؟ پاسخ این سؤال را افترا گوین خود داده اند

خلقی غیر فارسی زبان ایرانی بیچوچه مقایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چارچوب خشنه نادیده نیت ارضی کشور نینداند، احترام به حقوق ملی را یکی از مهمترین پایه های تأمین وحدت واقعی واطمینان ملی می شمارد (مردم، ۱۲ خرداد ۱۳۵۸). از جمله این اسناد اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۲۸ آبان ۱۳۵۸) تحت عنوان «نخستین گام بزرگ در راه پایان دادن به محرومیت های خلق کرد، با تأیید امام خمینی، رهبر انقلاب ایران برداشته شده، اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۵ آذر ۱۳۵۸): حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط به آتش بس کردستان را با خوش بینی تلقی میکنند و غیره. در اظهاریه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۱۳ خرداد ۱۳۵۹) زیر عنوان «در کردستان چه میگذرد و مسئله کردستان چگونه قابل حل است» نیروهای امیل خلق کرد مورد تحلیل قرار گرفته «نقش ضدانقلاب در درون کردستان بطور مشخص افشا و بحدت محکوم گردیده، مواضع حزب دمکرات کردستان ایران بررسی شده، نظر حزب در مسائل دیگری بطور سریع و روشن بیان شده است.

همه این اسناد کالا روشن و سریع و برابسانده بطوریکه چهلخبار و تحریف حقایق نمیتواند خطی حزب توده ایران را که با پیگیری، قاطعیت و سراجت در سمت پیشبرد انقلاب ایران و مطابق پیام تاریخی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی است لکه دار سازد.

اما «مریبه» که موضع خود را معین کرده و هیچ احتیاجی

آخری «مرد» که قسمتی از صفحه روزنامه «انقلاب اسلامی» (مورخه ۱۵ تیر) را برای تهمت زدن به حزب توده ایران سیاه کرده است. بخشی از آن افتراها را که دیگر دشمنان سرنگشورده حزبیکه در راه پرافتخار مبارزه پیگیری برای آزادی، استقلال و ترقی مردم ایران، علیه امپریالیسم و نظام متنفذ شاهنشاهی ایران شمشید داده است. به این حزب زده اند، «مریبه» تکرار کرده است. او به ناهنجارترین تعریف در سیاست و عملکرد حزب ما در مسئله کردستان پرداخته است. او (برای «بی غرض» جلوه دادن خود هم باشد) حتی به یکی از ده ها سند رسمی و ده ها مقالات توضیحی حزب ما درباره این مسئله مهم کوچکترین اشاره ای هم نکرده است.

چند سند را یادآوری میکنیم: در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (مورخه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸) بویژه «فعالیت آشکار نیروهای ارتجاعی و دست های ضد انقلاب در حوادث سندسج» مقدمه گنبد شدت محکوم شده است. در مقاله تحت عنوان «خودستاری آری، تجزیه طلبی نه!» توضیح داده شده است که «معضل مهم و حیاتی حق خودستاری آذاری و فرهنگ، در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی ایران، یکی از مواد اساسی برنامه حزب ما برای تشکیل جبهه متحد خلق است» (مردم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸). در نامه سرکشنده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در بخش مربوط به «مشکلات در زمینه حقوق ملیت ها» گفته شده است: «حزب توده ایران احترام و شناسایی این حقوق ملی، یعنی خودستاری آذاری و فرهنگی برای

به بررسی اینها و ده ها نظایر این اسناد ندارد در عین حال برای معوا بر میسر» (که او به همه سیاست حزب توده ایران نسبت میدهد) و «ایجاد جو آبهام» (که او «زاید فکر همین حزب» قلمداد میکند) به گزارشات تیر چند! از اعضای سازمان اطلاعاتی «سازمان» و «یا «مدارکی که به دست آمده است اشاره میکنند. لیکن چه «مدارک» و «گزارشات»؟! آنها کجا هستند، چه مضمونی دارند، چه کسانی آنها را تهیه کرده اند، و آیا اساساً وجود دارند، یا ندارند؟! همه اینها در جو آبهام که «مخبر» توده ایران بلکه «مریبه» و نظایر او واقعاً ایجاد میکند باقی مانده است. و خواننده، از نظر «مریبه»، باید تمیذا به این نویسنده، که ده ها سند رسمی یک حزب سیاسی را (بگذریم از اینکه اکنون پر سابقه ترین حزب سیاسی ایران است) پکلی نادیده گرفته و در مقابل (برای انبازدن به این حزب) به «گزارشات تی چند» آنچه قبلاً اشاره میهم کرده است، وارد کند. چر!

چون این نویسنده، به اعتراف صریح خود «تفوت بسیار» (و از خود اضافه کنی: روزافزون) حزب توده ایران را دیده است و در مقابل این واقعیت سخت بهرام افتاده است. به همین علت است که از پشتیبانی جدی و همکاری نزدیک انقلابی این حزب با اسلام انقلابی و نمایندگان واقعی سخت ناراحت و نگران شده است. از اینروست که او همه تلاش خود برای تقاطق کردن بین نیروهای راستین انقلاب را میخواند زیر سروش تهمت «تفاقا کنی» به حزب توده ایران پیاده کند.

در این ارتباط «مریبه» بقصد اینکه جمهوری اسلامی ایران را تیز باخود متحد قلمداد کند «لازم» دیده است «یادآوری» کند که «آخرین دوره دانشکده تعلیم و تربیت معلم بلخانت نفوذ اعضای حزب توده در آموزشهای این دوره منحل شده است و تحقیق از دانشجویان دانشکده آفتری (آخرین دوره) ادامه دارد.

ما ضمن تذکر قطعی این اتهام و افترا، این پرسش را داریم که این بانو از کجا به اینهمه «اطلاعات» مقامات حسان پدیه در صفحه ۲

# برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# لزوم تشکیل وزارت بازرگانی خارجی در ارتباط با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

چندی پیش مسئولان وزارت بازرگانی مطالبی در مورد چگونگی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بیان کردند و ضمن قبول لزوم اجرای این اصل، مدعی شدند که اجرای اصل مزبور بطوریت امکان پذیر نیست، بلکه باید بتدریج موجبات اجرای آن فراهم گردد و بعنوان تهیه مقدمات اجرای اصل مزبور و اعلام تهیه شده در همان مرکز برای مراکز تهیه و توزیع با شخصیت حقوقی مستقل ایجاد میگردد. اعلام شده که واردات مورد نیاز کشور از طریق این مراکز وارد شود و هیچ واردکننده‌ای نمیتواند مستقلاً کالا را وارد کند، بلکه باید به واسطه اجرای اصل مزبور به واسطه عملیات مربوط به اشتغال بهای انجام دهند ولی ورود کالا باید از طریق این مراکز انجام گیرد. اضافه شده که این مراکز بتدریج در شهرستانها نیز ایجاد خواهد گردید.

اقدامات این مراکز در ارتباط با ورود کالا به کشور عبارت از این است که پس از رسیدن کالا به گمرک، مرکز مربوطه طی نامه‌ای به گمرک اعلام میکند که واردکننده می‌تواند با پرداخت حقوق گمرکی وسوز بازرگانی کالای خود را ترخیص کند، قیمت فروش کالا بوسیله مرکز مربوط اعلام میشود و فروشنده موظف است کسبه کالا را به همان قیمتی که مرکز تعیین کرده است بفروشد، بهمان علاوه بر این فروشنده موظف است ۳۰ تا ۵۰ درصد کالای خود را در اختیار مرکز قرار دهد.

سودی که مرکز از فروش کالا بدست می‌آورد به صرف تامین هزینه‌های مرکز میرسد. چنانچه اصل این اقدام به بدانی بنابر اعلام مسئولان وزارت بازرگانی هریک از مراکز مزبور دارای هیئت‌مدیره و مدیرعامل است. هیئت‌مدیره از نمایندگان وزارت بازرگانی، نماینده وزارتخانه‌ای که کالای وارد شده بواسطه به آن است، نماینده امام و چهار نفر از افراد بصیر و مطلع که وزارت بازرگانی آنان را انتخاب خواهد کرد، تشکیل میگردد.

در گذشته‌های مسؤلمان وزارت بازرگانی دو نکته جلب توجه می‌نماید، یکی آنکه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مربوط به ملی کردن بازرگانی خارجی فلما مورد نظر نیست و مقامات مربوط در فکر اجرای این اصل نیستند، دیگری آنکه بجای عملی کردن اصل مزبور، مراکز اداری جدیدی بر سازمان‌های قبلی دولتی اضافه میگردد و بدین ترتیب تورم دستکاهای دولتی بازم تشدید میشود.

در حال حاضر، اگر از چند قلم کالای سنتی که حجم قابل توجهی نیز ندارند صرف نظر کنیم، صادرات ایران منحصر به نفت است. با قبول این واقعیت باید با تنظیم برنامه‌های لازم، کشور را در زمینه ترانزیت تأسیسات مواصلات صنعتی و کشاورزی به بازاریهای جهانی امکان‌پذیر کرد و بدین ترتیب در بازرگانی بین‌المللی نقش قابل توجهی به ایران واگذار شود. ایران این ظرفیت را دارنده کالاهای مختلف متنوعی راه بازارهای جهانی صادر کند و از کشور «تنگ‌مصلوب» به کشوری که کالاهای گوناگون در اختیارش می‌تواند خود میگذارد تبدیل شود.

## چرا ناراضیها رشد میکند...

بی‌شک از صفحه ۱ یا می‌تواند بیرون، اما اینکه ناراضیها و بی‌په‌په‌های انتقادی اعتراضی به نسبت ماههای نخستین انقلاب توسعه می‌یابد، مسئله‌ای نیست که برای جوانان از آن گذشت. آن دستها و مغزهای تکیه‌آفرین، به تنهایی، قادر به بالابردن ضربات نفسی ناراضیها و دلسردیها نیستند. کسب و کار و تولید و کارشکنی‌های آنها فقط موقتی به نظر می‌رسد که زمینه‌های مناسب آن وجود داشته باشد. بدون شرایط مادی و روحی لازم، تبلیغات و شایعه‌سازیها و نمیسسه‌های جورجور بدخواهان، چون حباب‌های صابون محو می‌شود.

نارضی برای بیرون کردن نیروهای سیاسی راستین مدافع انقلاب، از انقلاب می‌بینیم. آیا موفقیت احتمالی این تلاشها، بخشی از نیروهای انقلاب را از آن‌ها نمیکرد آیا به انزوای نسبی انقلاب منتهی نمیشد؟

## عوض کردن جای مسائل عمده با امور جزئی و فرعی

انقلاب اگر امکانات و قوای خود را بسوی حل مسأله‌های عمده معین نکند، بپوشید و در برابر آنها تحلیل می‌برد. توانایی انقلاب در شناختن مسأله‌های اساسی و یافتن نزدیکترین راه وصول به آنهاست. آخرین نمونه و نمونه بارز اینگونه تعویض جای عمده با غیر عمده را در روزهای اخیر شاهد بودیم. بنیان‌ساختن قالیچه‌های صنعتی بر تصفیه چاه آب و سازمانهای دولتی و طافوت‌زدایی در تمام کشور مملکتی که یک ضرورت اساسی روز است، دستهای بلافاصله به کار افتاد تا این فرمان انقلابی را از محتوا خالی کند و پاکسازی و طافوت‌زدایی را در مقیاس انقلاب، به چندین آرم و نقش شاهنشاهی از نام‌های رسمی و انداختن دوسری و چادر روی سر خانها، خلاصه کند، خوب، واضح است، لایه‌های بی‌په‌په‌های مملکت به این جهت در تمام کشور انقلاب بود، اما خارج از آنچنین بر سر دوسری که با تهدید، خرابی و تخریب و تخریب آمیخته و نارضایتی می‌شد انتظار را بسوی مسائل فرعی می‌کشید و سخنان انقلاب را از زیر سر به خارج می‌کرد.

## استفاده از وسائل و اسلوب غلط برای هدفهای درست

تجربیات در دست‌ترین و اصلی‌ترین هدف‌ها و حقانیت این اهداف کافی نیست، یافتن شیوه و ابزار مناسب برای دستیابی به این هدفها هم شرط است. چه‌بسا شیوه‌های نارسا و سترون و ابزار گمراه‌کننده، هدفها را از دسترس دور می‌کند و یا به آن زیان می‌رساند. انقلاب فرهنگی اخیر یک نمونه از این گونه است. هدف کاملاً درست، قابل تأیید و ضروری - اما برای رسیدن به این انقلاب فرهنگی که مکمل و توأم بخش انقلاب ماست و بی‌په‌په‌ها منحصر به دانشگاهها نیست، بجای تدارک زینه‌های مادی و فنی لازم، چرا باید دانشگاهها، آسمان را رویه ارباب و تهدید و خشمونت، برای بدنی نامعلوم تمطیل شود و خیل عظیمی بر خیل رفاه‌شمار بیکاران و نارساها و ناراضیان جامعه افروزه شود؟ آیا گشایش و آرامه کار دانشگاهها با انقلاب فرهنگی و حتی محدودتر از آن، با ضرورت انقلاب آموزشی هیچ‌منافی داشته و اصولاً مگر نه‌اینکه یک چنین انقلابی تنها بسا شرکت فعال و حضور و مشارکت وسیع دانشگاهیان، ام از استاد و دانشجو و کارمند، دودنوا و محتوی عملی و مؤثر خواهد یافت؟

بهرحال، زمینه دادن به ناراضیها، به هر پناه و مستمسک و تحت هر لوایی، فقط یک جبهه را تقویت می‌کند: ضد انقلاب را... و به یک نیرو فریب می‌زند: به انقلاب... در سالیهای یکساله و نیم اخیر، صحت بی‌تردید این تجربه صواب و تکراری تاریخ را یکبار دیگر اثبات می‌کند که انقلاب اگر نتواند به نقایص خود بپردازد و از نارساییها و اشتباهات خود بیاوژد، درون همین نارساییها و اشتباهات دفن خواهد شد. به این تجربه گم بها ندهیم.

در این عرصه فالتو، بی‌په‌په‌ها رهبری به شدت انقلاب ندارند. باز ماست که بر ماست، این دوستان ناآگاه انقلابند که علی‌رغم نیت باطنی و قصد نهای خود، آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند و تور را داغ می‌کنند. حسن نیت خشک و خالی به چه کار می‌آید وقتی نتیجه‌اش جاده را برای دشمن صاف می‌کند. نیش و تیغ منحصراً اینگونه معملکرد و سیاست را که بدست دوستان انقلاب به آن زخم می‌زند و با دامن زدن به ناراضیها و بدبینیها و سرخوردگیها، انقلاب را به‌اترا می‌کشاند، می‌توان در ۴ مورد زیر خلاصه کرد:

### کشیدن مرز مصنوعی بین دوستان و دشمنان انقلاب

اگر عمده‌ترین خصم انقلاب ما، خصم استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی است، دوستان و دشمنان انقلاب نیز باید با این معیار تعیین شوند. تقسیم‌بندیهای صحنی که دوستان غیرمذهبی انقلاب را از مدافعان معتقد به مذهب آن جدا می‌کند، یا ملیتها و بیرون مذاهبا گوناگون را صرفاً بخاطر عقایدشان سو و دشمنان در برابر انقلاب و صمیمیت آن - در برابر هم قرار میدهد، برای انقلاب حکم سم را دارد. این نحوه تقیبات و سیاست، جن تک‌نگاری و قسرت، خاصیت دیگری ندارد. این تک‌نگاریها که در مواردی بپایه‌های درونک و وحشتناک نیز پیاده کرده می‌شوند، در دوران انقلاب شاهد این بوده‌ایم که چگونه تصفیه حساباتی در این چارچوب انجام شده و اعدام‌گارا بی‌مطلق آذوقه‌ها مهربان، توده‌های مومن به انقلاب، در کارنامه، و یا کشتار چپ‌افران از مبارزان ترکان صحرای و نظایر آن، بوقوع پیوسته است. این جور قسرت و اعمال غرضی که اخراج کارکنان مورد احتیاج و کارندان کارگران مومن به انقلاب از ادارات دولتی و کارخانه‌ها به پهنه‌های عقیدتی، یک جلوه دیگر آنست، اگر میسسه ضد انقلاب نباشد، از نوع دوستی معروف خاله خرسه برای انقلاب است.

### انحصار طلبی بی‌منازع و تفرقه نیروها

انحصار طلبی تک‌نگارانه طبل تفرقه و جدایی و احیاناً خصومت‌های دشمن‌شادکن، بین نیروهای خلقی است. انحصار طلبی مرزهای طبیعی و اجتماعی ناپذیری دارد. یعنی هر نیروی فائق و حاکم سیاسی می‌کوشد تا حد امکان، مواضع کلیدی قدرت دولتی و امرهای حساس اجتماعی را قبضه کند. حدود و ثغور این انحصار طلبی بوسیله نیروهای سیاسی و طبقاتی دیگر که آنها نیز طالب سهم خودی و فضای حیاتی هستند، محدود می‌شود. اما در انقلابی که بخاطر خصم توده‌های خلقی آن، نیروهای سیاسی متنوعی در آن فالتو، یکتازی و اشتباهی کسب قدرت بلامنازع و برسمیت نشناختن هیچ حتی حق خود را بسوی یکبار از نیروها و جناحهای انقلاب - حتی اگر سلطه‌طلبان نیرو باشد - بخشی از قدرت انقلاب را از آن جدا می‌کند، این خوددینی که مصالح واقعی انقلاب را پس می‌زند، جامعه برآمده از انقلاب را از استفاده از همه استعدادها و بهره‌مندی از تخصصین و کارشناسان و مدیران و مغزهای خلقی که اگرچه در صورت قدرت انحصاری اینها نیستند، محروم می‌کند. غیبت این مهارتها و استعدادها، سبب ساز بسیاری از ضمیقتها و نارساییهای اجتماعی است. و این واقعیتی است که ما از چشیدن طعم آن بی‌صمیمیت نمانده‌ایم. جلوه قابل ذوق این انحصار طلبی قسری را در

انقلاب می‌یابند و وظیفه حمایت و حراست از انقلابی را که با گوشت و پوستشان در آن سپیده‌اند، روی دوش خود احساس می‌کنند. شیطاين در چنین فضائی مجال زیادی ندارند. تبلیغات آنها یاد هراست. تحریکات و رسوسه‌هایشان تنها به سنگ می‌خورد و زایل می‌شود. اما اگر امروز این شیطاين دلگرمی یافته‌اند و ناراضیها و اعتراضات به اشکال مختلف رشد می‌کنند، میزان آن دلگرمی شیطاين و میزان و درجه رشد این ناراضیهای مردم در دست به اندازه‌ای است که ما از فضای یافته‌شده دوریم. ضد انقلاب روی این نقطه ضعف حساب می‌کند. برای تشدید این ضعف همه امرها و ایادی نرمی و نامرئی، داخلی و خارجی خود را یکبار می‌اندازد و با یکدست به محاصره اقتصادی میهن انقلابی ما می‌پردازد و با دست دیگر پلندهای خرابکار خود را برای بس گداری در مواضع کلیدی تولید و آتش‌زدن خرمنها و فلج کردن اقتصاد ناتوان ما گسیل می‌دارد. بنا یکدست در کربستان و خوزستان و آذربایجان و بلوچستان آتش‌افروزی کرده و بلوا برام می‌اندازد و با دست دیگر رادیوهای شایعه‌پراکن و افواکندنده‌ها را در عراق و مصر برپا می‌دارد، تا آسمان و زمین را که خبرگزارهای رسکو-ارزنگ امپریالیستی و رادیوهای فارسی زبان معلوم-الصل باشد، بی‌په‌په‌ها و صدای آمریکا و رادیو گلن و بغداد می‌یافته، به هم وصله بزنند.

اگر قرار باشد اقتصاد ملی ما بی‌دیزی شود، کشاورزی و تولید ملی احراف گردد و از این طریق کمبود و بیکاری و تورم و گریانی، یعنی علت‌العلل بسیاری از نارساییها و ناراضیها از میان بر خیزد و راه بر رسوسه‌ها و شایعه‌سازیها و درو بازیهای دشمن بسته شود، راهی نیست جز آنکه سانحه‌ها و تردیدها و سازشکاریها به یکسو افکنده شود و امپریالیستی تمامی رشته‌های غیر مستقیم آن از عرصه تولید سستی و کشاورزی و تجارت خارجی ما بی‌په‌په‌ها شود. و اگر بنا باشد این تحول بنیادی و قاطع رخ نیامد، ما باید دوستان صدیق انقلاب خود را در جهان بشناسیم و از یاری آنها در جهت استقلال کامل اقتصادی و سیاسی و بهبود وضع اجتماعی بهره‌گیریم. باید به تجربه کشورهایی نظیر ایران توجه کنیم و در نامه این تجربه‌ها سهیم شویم.

فکری نیا تخم در پوشیده دارند ولی در نتیجه افکارهای حزب توده ایران توفیقی حاصل نمیکنند. برای رفع اتهام رذیلتها بانو «مریبه»، در مورد منبع اطلاعات ما، یادآور می‌شویم که منبع وابسته به میسبه آمریکا و ضد انقلاب ایران همیشه منظور بنام کردن حزب ما از اتهام را بنا زداند. برای آنکه میسر شود هر که در او شن باشد، ما حاضریم کلیه منابع خبرهای همرا که درباره فعالیت ضد انقلاب بدست آورده‌ایم در اختیار هر فرد مطمئن که امام خمینی تعیین نماید قرار دهیم.

بسیار نویسنده‌ها در این بردهای افغانی عملکردهای سازمان سپاه اطلاعات حزب ما، یعنی روشنگری سیاسی و هشدار به مردم مبارز انقلابی ایرانی را ایجاد افشاش فکری می‌یابند. چرا چون نویسنده سخت ناراحت و نگرانست از اینکه آن انحصار فکر و اندیشه که امثال او بسیار سعی دارند با استقلال انحصاری از منابع اطلاعاتی امپریالیستی (اسوشیتد پرس) یونایتد برس، روی

در این عرصه فالتو، بی‌په‌په‌ها رهبری به شدت انقلاب ندارند. باز ماست که بر ماست، این دوستان ناآگاه انقلابند که علی‌رغم نیت باطنی و قصد نهای خود، آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند و تور را داغ می‌کنند. حسن نیت خشک و خالی به چه کار می‌آید وقتی نتیجه‌اش جاده را برای دشمن صاف می‌کند. نیش و تیغ منحصراً اینگونه معملکرد و سیاست را که بدست دوستان انقلاب به آن زخم می‌زند و با دامن زدن به ناراضیها و بدبینیها و سرخوردگیها، انقلاب را به‌اترا می‌کشاند، می‌توان در ۴ مورد زیر خلاصه کرد:

**کشیدن مرز مصنوعی بین دوستان و دشمنان انقلاب**

اگر عمده‌ترین خصم انقلاب ما، خصم استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی است، دوستان و دشمنان انقلاب نیز باید با این معیار تعیین شوند. تقسیم‌بندیهای صحنی که دوستان غیرمذهبی انقلاب را از مدافعان معتقد به مذهب آن جدا می‌کند، یا ملیتها و بیرون مذاهبا گوناگون را صرفاً بخاطر عقایدشان سو و دشمنان در برابر انقلاب و صمیمیت آن - در برابر هم قرار میدهد، برای انقلاب حکم سم را دارد. این نحوه تقیبات و سیاست، جن تک‌نگاری و قسرت، خاصیت دیگری ندارد. این تک‌نگاریها که در مواردی بپایه‌های درونک و وحشتناک نیز پیاده کرده می‌شوند، در دوران انقلاب شاهد این بوده‌ایم که چگونه تصفیه حساباتی در این چارچوب انجام شده و اعدام‌گارا بی‌مطلق آذوقه‌ها مهربان، توده‌های مومن به انقلاب، در کارنامه، و یا کشتار چپ‌افران از مبارزان ترکان صحرای و نظایر آن، بوقوع پیوسته است. این جور قسرت و اعمال غرضی که اخراج کارکنان مورد احتیاج و کارندان کارگران مومن به انقلاب از ادارات دولتی و کارخانه‌ها به پهنه‌های عقیدتی، یک جلوه دیگر آنست، اگر میسسه ضد انقلاب نباشد، از نوع دوستی معروف خاله خرسه برای انقلاب است.

**انحصار طلبی بی‌منازع و تفرقه نیروها**

انحصار طلبی تک‌نگارانه طبل تفرقه و جدایی و احیاناً خصومت‌های دشمن‌شادکن، بین نیروهای خلقی است. انحصار طلبی مرزهای طبیعی و اجتماعی ناپذیری دارد. یعنی هر نیروی فائق و حاکم سیاسی می‌کوشد تا حد امکان، مواضع کلیدی قدرت دولتی و امرهای حساس اجتماعی را قبضه کند. حدود و ثغور این انحصار طلبی بوسیله نیروهای سیاسی و طبقاتی دیگر که آنها نیز طالب سهم خودی و فضای حیاتی هستند، محدود می‌شود. اما در انقلابی که بخاطر خصم توده‌های خلقی آن، نیروهای سیاسی متنوعی در آن فالتو، یکتازی و اشتباهی کسب قدرت بلامنازع و برسمیت نشناختن هیچ حتی حق خود را بسوی یکبار از نیروها و جناحهای انقلاب - حتی اگر سلطه‌طلبان نیرو باشد - بخشی از قدرت انقلاب را از آن جدا می‌کند، این خوددینی که مصالح واقعی انقلاب را پس می‌زند، جامعه برآمده از انقلاب را از استفاده از همه استعدادها و بهره‌مندی از تخصصین و کارشناسان و مدیران و مغزهای خلقی که اگرچه در صورت قدرت انحصاری اینها نیستند، محروم می‌کند. غیبت این مهارتها و استعدادها، سبب ساز بسیاری از ضمیقتها و نارساییهای اجتماعی است. و این واقعیتی است که ما از چشیدن طعم آن بی‌صمیمیت نمانده‌ایم. جلوه قابل ذوق این انحصار طلبی قسری را در

**فکر نیا تخم در پوشیده دارند ولی در نتیجه افکارهای حزب توده ایران توفیقی حاصل نمیکنند.**

برای رفع اتهام رذیلتها بانو «مریبه»، در مورد منبع اطلاعات ما، یادآور می‌شویم که منبع وابسته به میسبه آمریکا و ضد انقلاب ایران همیشه منظور بنام کردن حزب ما از اتهام را بنا زداند. برای آنکه میسر شود هر که در او شن باشد، ما حاضریم کلیه منابع خبرهای همرا که درباره فعالیت ضد انقلاب بدست آورده‌ایم در اختیار هر فرد مطمئن که امام خمینی تعیین نماید قرار دهیم.

بسیار نویسنده‌ها در این بردهای افغانی عملکردهای سازمان سپاه اطلاعات حزب ما، یعنی روشنگری سیاسی و هشدار به مردم مبارز انقلابی ایرانی را ایجاد افشاش فکری می‌یابند. چرا چون نویسنده سخت ناراحت و نگرانست از اینکه آن انحصار فکر و اندیشه که امثال او بسیار سعی دارند با استقلال انحصاری از منابع اطلاعاتی امپریالیستی (اسوشیتد پرس) یونایتد برس، روی

## چرا به حزب توده ایران اتهام می‌زنند...

اطلاعاتی سپاه پاسداران و نهادها. دیگر انقلاب دسترس پیدا کرده‌است. علت اصلی را خویست از خود «مریبه» بشنویم که سبب اساسی این مخالفتها و خصومتها با حزب توده ایران چیست؟ «مریبه» خود بصراحت باین سؤال پاسخ داده است: حزب توده ایران تا طریق منابع اطلاعاتی شوروی عملکردهای سازمان سیا را افشا میکنند و این افشاگرها از طریق روزنامه مردم تکنیز می‌شود. جان کلام در همین جاست، در این کسسه سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا افشا میشود و مردم ایران دشمنان و دوستان واقعی خود را بهتر می‌شناسند.

آری، افشای امپریالیسم - اینست «گناه نابخشودنی» حزب توده ایران از نظر این پیچاقین امپریالیسم و سازمان سپاه که هر چه در تیر دارند تلاش می‌نورزند تا ایجاد جو ابهام و افشاش

عده‌ها و شمارها نامدی‌شور و جانبدارند. اگر این شمارها و وعده‌ها به عمل مستقیم به سود مطالبان آن نینجامد و یا تو با هم لااقل حرکت به سمت تحقق این وعده‌ها و شمارها را بشود و تجربه شخصی خود احساس نکنند، کمترین واکنش آنها بی‌فناوری و دلزدگی و کناره‌گیری از میدان خواهد بود. و این ناقوس بی‌صدای مرکز يك انقلاب است. انقلاب بدون یاری مستقیم و وسیع توده‌ها، به کارگزاران خود بدل می‌شود، از درون ترک می‌خورد و یوک می‌شود و توده‌ها را می‌زیزد. این یاری مستقیم و گسترده مردمی که خون و شادایی و جوانی انقلاب است، خود دو وجه عمده دارد:

۱- تعیین خلقی‌ترین و ضروری‌ترین هدفها و قرار دادن آنها در دستور روز انقلاب.

۲- شرکت هر چه بیشتر مردم در امور اجرایی و سبتر از این، نظارت آنها در اجرای این امور.

وجه اول در واقع محتوای انقلاب و وجه دوم شکل و شیوه مطلوب پیاده شدن آن است. بین این فرم و این محتوا رابطه‌های دوری و تفکیک نشدنی است.

وجه اول با تدوین قوانین انقلابی، یا دگرگونی ریشه‌های در قوانین و آیین‌نامه‌ها بنوع مستقیم، و تحکیم حاکمیت آنها، با درهم‌شکستن قالبها و نهادهای طاغوتی و تعویض آنها با مغزها و لرزشهایی که از دل انقلاب بیرون آمده و ترجمان زرقرتین و پهناترین خواستها و احتیاجات و آرزوهای مادی و معنوی انبوه‌ترین طبقات و اقشار و گروه‌های انقلابی است، قابل تحقق است. و وجه دوم با تقویت ایجاد و گسترش تشکلهای صنفی و سندیکایی، متحرک و مقتدرش کردن شوراهای همه جاهایی که این اصل سراسری قابل پیاده شدن است، از ساده‌ترین امور روستاهای دور-افتاده تا مجلس شورای قانونگذاری که عالی‌ترین ارگان مقتنه است، با تقویت مداوم تشکلهای و بسیجهای خود-انگیخته‌های نظیر جبهه سازندگی و غیره، امکان تحقق واقعی در چندیگان مردم نه در لفظ، که در عمل خود را صاحبان

## قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر

تقاضا می‌کنیم برای تهیه مکتب از محیطهای روستایی حتی امکان از حلقه‌های نیم ۱۲ تالی استفاده کنند و با تعداد مکتبهای استفاده شده را در هر قلم، ذکر کنند. معا بدین طریق خود قلم که اغلب بپوش از نمی از آن مورد استفاده قرار گرفته فقط با چند مکتب هلر ترو و از هزینه ظهور قلم کاسته شود اگر امکان دارید مکتب بفرستید که اساتذ است.

از مسوولانی که چون در کشور مجبوریم (شورسین رستاخیز) یاد کرد ماست؛ قطعاً خیر! همه میدانند که وظیفه اصلی آن‌ها عمل معدوم سواک و به قول این نویسنده، «شورسین رستاخیز» - بافتل - زدن به جنبش کمونیستی و کارگری جهان بطور کلی و به حزب توده ایران بطور اخص بود. درست همین کاری را که اکنون «مریبه» ما ادامه میدهد...

قیمتها بهمرز خطرناکی رسیده است (۱۶)

میلیونها کودک ایرانی چوب محاصر و اقتصادی امپریالیسم را میخورند...

□ قیمت کالاهای مورد نیاز کودکان ۱۰۰ درصد افزایش یافته است.



یک خانم خانواده در داروخانه‌ای واقع در چهارراه گمرک، پستانک هم دانه‌ای ۳ تومان گران شده است.

کالاهای مورد نیاز کودکان در یکسال اخیر دو برابر گرانتر شده است. علاوه بر این اغلب این کالاها سخت کمیاب است. شیرخشک که بهصرف ترین غذای کودکان است نسبت به سال گذشته ۳۵ درصد گرانتر شده است.

پوشک بچه نیز جزو دیگر کالاهای گران است که بحدت پیدایشود. و نسبت به سال گذشته ۳۵ درصد گرانتر شده است.

شیرخشک!

دیگر وسایل بچه نظیر شیشه شیر، پستانک، شوهرت لاستیکی، صابون بچه، پودر بچه و غیره... نیز از ۱ الی ۹۹۹۹ درصد گرانتر شده است. سری به بازار کالاهای مورد نیاز کودکان میزنیم و اول از همه قیمت شیرخشک را مرور میکنیم. شیرخشک که جزو کالاهای کمیاب هم است نسبت به سال گذشته ۳۵ درصد گرانتر شده است. شیرخشک گیکوز که کمترین قیمت در سال ۱۳۵۸ تومان قیمت داشت امسال به ۲۱ تومان رسیده است. یاشیرخشک مای بوی که صرف زیادی دارد از ۱۸ تومان به ۲۳ تومان رسیده است. آبم سردی یکسال اخیر، قیمت فریه که در داروخانه شبلا واقع در چهارراه گمرک شیرخشک برای بچه‌اش می‌خرید به خبرنگار ما گفت:

«به توجیه دکتر باید از شیرخشک گیکوز برای بچم استفاده کنم ولی الان در حدود سه ماه است که این شیرخشک گیکوز نیامده است و مجبور شدم از شیر گاو استفاده کنم که آتیم پاست شده است بچم سریش شده. از شیرخشک دیگر هم که استفاده میکنم به بچم نیسانده نصف و رقم در داروخانه‌ها دیدن پیدا کردن شیرخشک بهر مردود و الان هم بعد از مدت‌ها گذشتن در این داروخانه شیرخشک گیکوز را گیر آوردم البته با قیمت ۲۱ تومان و این برای من که شوهرم کارگر کارخانه است و ماهی دوازده تومن بیشتر درآمد ندارد خیلی گران تمام میشود.»

یکی دیگر از مشتریان بهاسم محمود شیرمحمدی، روانده تاکسی که به آن صورت درآمدی ندارد به قیمت ۵۵ تومان رسیده است. در مورد پوشک بچه ایرانی نیز باید گفت که این پوشکها نیز همانند پوشکهای خارجی ظاهرآ برابریات با آنها برابری خود چند تومانی افزوده اند. بهطور مثال پوشک بچه ایرانی که در سال گذشته ۱۱ تومان قیمت داشت امسال به ۱۴ تومان رسیده است. یا پوشک برناب که سال گذشته ۲۳ تومان بود امسال به ۲۵ تومان رسیده است.

پوشاک نخورد

بعد از شیرخشک سری به پوشک بچه دوین کالای گران و کمیاب بچه می‌زنیم. پوشک بچه خارجی مانند همپرز، نوپا، و توریس که از آمریکا وارد میشود هم اکنون به قیمت قطع رابطه با آمریکا جزو کالاهای کمیاب در داروخانه‌هاست. نخیره‌های قبلی این کالا در داروخانه‌ها با قیمت گران در دسترس بشری قرار می‌گیرد. بهطور نمونه پوشک پمبرز که در سال گذشته ۴۴ تومان قیمت داشت امسال به قیمت ۵۵ تومان رسیده است. در مورد پوشک بچه ایرانی نیز باید گفت که این پوشکها نیز همانند پوشکهای خارجی ظاهرآ برابریات با آنها برابری خود چند تومانی افزوده اند. بهطور مثال پوشک بچه ایرانی که در سال گذشته ۱۱ تومان قیمت داشت امسال به ۱۴ تومان رسیده است. یا پوشک برناب که سال گذشته ۲۳ تومان بود امسال به ۲۵ تومان رسیده است.

«خانم وحیبه غامری» در این مورد به خبرنگار ما میگوید: «پوشکهای ایرانی از لحاظ قیمت خیلی ارزاتر از پوشکهای خارجی هستند ولی در محاسبه با قیمت سال گذشته گرانتر شده است. مثلا پوشک از کده که سال گذشته حدود ۱۱ تومان قیمت داشت امسال به نزدیک ۱۵ تومان رسیده است. و این برای خانواده‌هایی که به آن صورت درآمدی ندارند

صرف نمیکند. به دیگر وسایل بچه که همزمان افزایش قیمت مواجه میشود شیشه شیر ایرانی بچه که در سال گذشته ۵ تومان قیمت داشت امسال به ۶ تومان رسیده است. شیشه شیرهای جدیدی که بازار عرضه شده است از لحاظ قیمت گرانتر از شیشه شیر سابق است. مثلا شیشه شیر کندی که جدید است نوع بزرگ آن بقیعت ۹ تومان و کوچک آن بقیعت ۸ تومان عرضه میشود. شیشه شیرهای خارجی نیز که دو سه برابر شیشه شیر ایرانی فروخته میشود. بهطور مثال شیشه شیر چیکو که ساخت ایتالیا است نوع بزرگ آن ۲۲ تومان قیمت دارد. در حالی که همین شیشه شیر در سال گذشته ۱۶ تومان فروخته میشد. شیشه شیر مستر بوی که ۲۲ تومان است امسال ۳۰ درصد گرانتر شده است. بهطور نمونه شورت لاستیکی ایرانی که در

خانواده انقلابی کانون محبت و وفاداری

عشق، اعتماد، تحمل آگاهانه، آزار که مسئولیت متقابل، در آمیزی بی لوث است چنین است مشخصات یک خانواده انقلابی

گاه از ما می‌پرسند: «حزب ما در باره هنر زیستی زن و شوهر و فضای خانوادگی چه نظری دارد؟» و می‌افزایند: «متاسفانه رفقای هستند که در کوئی و برزن مبارزان چالاک و دلاور و خردمندی هستند، ولی در خانه به شوهران و زنان خوبی بدل نمی‌شوند. در محیط خانوادگی سردی، سوء ظن، هوسناکی، بی‌ملاحظگی، بی‌ملاحظگی، لاابندی، خشونت حکمفرماست. آیا میتوان چنین خانواده‌ای رایگ خانواده نمونه‌وار انقلابی دانست؟» پاسخ ما بطور قطعی منفی است.

سالم تربیت است، بلکه در درون خانواده بزرگتر متعلق به خود و نیز در درون جامعه، احترام جلب می‌کند و برای جامعه تکیه‌گاه مهمی است.

بورژوازی خانواده را بشاد می‌کشد. ایده‌آل قالبی «سعادت» را جانشین ایده‌آل واقعی سعادت می‌کند. «سعادت» یعنی پول و انهم بهره‌پریمت و انهم هر چه بیشتر. این ایده‌آل، خانواده را روحا آلوده می‌سازد و رفتار زن و شوهر را از شایسته حسابگری و غرض می‌آنباید. می‌گوید: وقتی در دوران شاه گذشته یکی از روسای میلیاردر در رودخانه‌های غرق و گم‌شده، جستجوی برنج و تاب خانواده‌اش بخاطر عشق بشوهر و یا به پدر نبود، بلکه در طلب یافتن «پلاک رهن ذخائر بانکی سوئیس» بسود کد «آن مرحوم» با خود برای آید در گول‌ولای دفن کرده بود. از صحت و سقم این داستان اطلاعی نداریم، ولی نظایر این برخوردها در خانواده‌های بورژوا فراوان است. حرس پول، و حرس پول آمد، عشق و اعتماد گریخت. حرس پول، انسان را از انسانیت خود ساقط می‌کند.

دو مشکل بزرگ عینی در سر راه قوام تحکیم خانواده وجود دارد:

اول آنکه هنوز در جوامع بشری بارکار در خانه یعنی وظایف مادری، تطهیف و تغذیه خانواده بردوش زن است و اگر زن در عین حال در کارخانه و یا موسسه‌های کار می‌کند، تحمل دیوار سنگین او را سخت فرسوده‌می‌سازد. در این حالت اگر مرد به‌یاری زن نشاند، برای او دلسوزی و موجهت و تقاضم نداشته باشد، طبیعاً است که زندگی روحی زن تاریخ و زندگی خانواده دشوار میشود. کار در خانه یا کدبانویی برخلاف تصور غلطی که از آن وجود دارد، در جامعه امروز بشر از مهمترین و ضرورت‌ترین کار-هاست و کدبانوان حق دارند به آن توجه کنند و نباید به این وظیفه ضرور اجتماعی بالاقیدی برخورد کرد. پس از کار مولدان نعمات مادی و معنوی (کارگران، دهقانان، روشنفکران) سزاوار است و جادارد که ما مادران و کدبانوان را در ارجمندترین مقام‌های اجتماعی قرار دهیم زیرا بقاء نسل و خانواده و انسانیت امروز بسته به اوست.

تمدن معاصر با ایجاد تکنیک داخلی خانه و موسسات تربیتی و تغذیه و تطهیف عمومی، گاه‌هایی برای کاستن از بار کدبانو برداشته

ما به پیوند مبتنی بر عشق و اعتماد و ادراک مسئولیت متقابل و در آمیزی سرنوشت باور داریم و بر آنیم که زن و شوهر باید در این جهت یک شوند، خانواده، یک واحد بفرسج است که ساخته و پرداخته و حاضر و آماده از حمله عروس و داماد بیرون نمی‌آید و آنرا باید یکدیگر و شکیب‌منطق ساخت. اگر عزم به ایجاد چنین فضایی در خانواده جزم باشد، در طول مدت به این هدف دست خواهیم یافت. خانواده‌ای که بخواد شکل مصنوعی، براساس ملاحظه کاری، خشونت، ریاکاری، ترس و حسابگری حفظ شود خانواده نیست. دوزخ است.

یکی از شرایط شکل خانواده وفای به تعهدات زناشویی و پرهیز از هوسناکی‌های زودگذر و فاجعه‌آفرین است. زن و شوهر باید به‌یوهانی که بسته‌اند علیرغم هرگونه وسوسه‌های صادقی بمانند.

یکی دیگر از شرایط شکل خانواده تلاش برای ادراک یکدیگر و مطلق نکردن مشخصات خود است. باید فهمید که همه انسانها از لحاظ درجه حساسیت عصبی و خودداری یکسان نیستند و نباید توقع داشت که او دانش دیگری عین واکنش من باشد.

و سرانجام شرط دیگر تحمل است. شوهر زن و تنهادر جریان این تحمل و شکیب و نرسانیدن کار هر اختلافی یا هر لغزشی به یک جدائی و تفاق می‌توانند یکدیگر را برای خودبسیازند و از نو بی‌فایرینند. در یک کلمه روند تشکیل خانواده، روندی است دشوار و پرفراز و نشیب و مراعات وفاتقاهم و شکیب برای آنکه این روند به سرانجام برسد از عناصر ضرور است.

خانواده‌ای که محیط پاک اخلاقی را حفظ کند به کانون مناسبی برای پرورش نسل نو بدل می‌شود، زیرا کودک از همان آغاز از محیط خانوادگی و گفتگوها و رفتارهای آن عکسبرداری‌های عمیقی بعمل می‌آورد و هر عمل یا سخن زشت یا زیبا در روح او اثرات خود را باقی‌می‌گذارد. پدر و مادر نخستین مظاهر انسانی و نمایندگان جامعه و تاریخ در کنار پالین کودکند. آیا آنها به‌این نقش ماوراء عظیم خود توجه دارند؟

خانواده با محبت نه تنها برای زوجین سعادت می‌آفریند، نه تنها برای فرزندان کانون

است، ولی هنوز کو، کجا؟ بهلاوه تمدن امروز به خانواده روستایی و کارگری و فقیر ایرانی چیزی نمی‌دهد. رنج دیرینه و سنتی آنها کماکان و تا امروزه روز ادامه دارد. در این شرایط باید مرد بکوشد به کار در خانه، بنوبه خود، با نهایت میل و صداقت کمک رساند. مردانی هستند که کار یاری نمیدانند ولی این مسئله منوط به‌ترین است. بگذار یا ناشیکری شروع کنند ولی سرانجام در قسمتی از کار و کوشش درون خانه جویند و در کنار همسر عزیز و کوشنده خود، ولو گوشه‌ای از گرانبار گذارن را دربارند و یا شرط باشند به بار خاطر. همکاری مرد بازن در خانه، بار کدبانو را روحا سبکت می‌سازد.

مشکل دوم خرافه شوهر سالاری است. ما هم با شوهر سالاری و هم بازن سالاری (یعنی آن دو شکل غلطی که جامعه سرمایه داری مرد و را پدید آورده است) سخت مخالفیم. تنها رابطه درست در خانواده روابط برابر حقوق زن و مرد است لااثر. زن و شوهر دو دوست صمیمی و محرم و مورد اعتماد و همیارند نه چیز دیگر. یکی فرمانده دیگری نیست. در خانواده شوهر سالاری یا زن سالاری خوشبختی راه ندارد. وقتی مالز روابط برابر حقوق و همیاری دوستانه و صمیمانه زن و شوهری سخن می‌گوئیم، این بدان معنی نیست که تصادم و اختلاف بوجود نمی‌آید. زن و شوهر از دو محیط جغرافیائی، خانوادگی، طبقاتی، تحصیلی، تربیتی و سنی مختلف برخاسته‌اند (غالباً چنین است) لذا طبیعی است که بین آنها تأدیری عدم تقاهم بروز می‌کند تا زمانیکه آنها بتوانند (در صورتیکه بخواهند) یکدیگر را بیابند، یکدیگر را بشناسند. در این روند نسبتاً طولانی و نسبتاً دشوار زن و شوهر چنانکه در آغاز این مقاله نیز گفته‌ایم باید هم تحمل نشان دهند و هم تلاش برای تقاهم. چنین روندی در شرایط وجود برابر حقوق، آسان، کم درد و راحت انجام می‌گیرد و در غیر این صورت هرگز انجام نمی‌گیرد و زندگی‌ناشوئی به رنجی عظیم بدل می‌گردد و در تربیت کودکان اثرات عمیق می‌گذارد.

تمام نکته اینجاست که نوع روابط زن و شوهر، خاص خود آنها و محدود به روابط خود آنها باقی نمی‌ماند. روح فرزندان در کوره این روابط ساخته و پرداخته می‌شود و در خانواده بزرگ اثرات نیک و بد این روابط عکس می‌آفکند. اگر روابط آفتابی، انسانی، پر محبت و وفاداری است، فرزندان از آن فیض می‌گیرند و خوششان از آن بهره می‌یابند. اگر روابط یاکارانه، خالی از صمیمیت و حسابگرانه است. فرزندان رادچار انواع عقده‌ها و اعوجاجات روحی می‌کند و رنج و عواقبید آن به خوششان دوست‌نیز می‌رسد. حتی ارضیه این روابط برای تمام جامعه باقی می‌ماند و نسج تاریخ را می‌سازد. مسئله کوچک نیست. زیرا خانواده کانون توارث و سنت سازی و انتقال فرهنگ نسل پیشین به نسل بعدی است و از جمله در این آزمایشگاه، بی‌سروصدا سرنوشت یک خلق، یک تاریخ در حال یافته شدن است. هر قدر کانون خانواده همیشه تروپاک‌تر، بهمان اندازه جامعه بسوی پاکیزگی و پالودگی می‌رود. تاچه حدی گفتن و نوشتن حتی حقایق، در جهانی که وزنه‌های سنگین رویدادها و واقعیات عینی، تعیین کننده مسیر است، میتواند موثر باشد؟ آری، امروز این مطالب را می‌خوانید و تأکید می‌کنید ولی آیا فردا آنها به طاق نسبان سپرده می‌شود؟ ولی در هر حال گفتن بهتر از نگفتن. مارکس می‌گوید: «اندیشه با رخنه در توده‌ها به نیرو بدل می‌شود.»

نام کالا	قیمت امسال	قیمت سال گذشته	نام کشور	درصد افزایش
شیرخشک مای بوی	۲۳۰ ریال	۱۸۰ ریال	هلندی	۲۷ درصد
«من جی»	۲۳۰	۲۰۰	ژاوه	۱۵
«نان نسله»	۱۷۵	۱۵۵	فرانسی	۱۲/۸ درصد
«سراکه»	۱۴۰	۱۱۵	-	۱۶
گیکوز پرجی	۲۱۵	۱۶۰	هلندی	۳۴
گیکوز کم پرجی	۲۱۰	۱۵۵	هلندی	۳۵
«پلارگون»	۱۵۰	۱۲۰	آلمان	۲۵
پستانک لاستیکی	۶۰	۴۸	ایرانی	۲۵
«اجانبو»	۸۵	۸۰	آلمانی	۶
شوهرت لاستیکی «گر ای»	۱۳۰	۱۰۰	ایرانی	۳۰
«نیکی»	۱۳۵	۱۳۰	چینی	۳

سال گذشته ۱۰ تومان قیمت آن است. خانم «توروزی» دریکی از پودر اسفال به ۱۳ تومان رسیده داروخانه‌ها به خبرنگار ما میگوید:

**اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلان و محترکان است**

این برای خانواده‌های زحمت کش که از این لحاظ پرجمعیت تر هستند خیلی گران تمام میشود. در بازار ۳۱ نوع کالای مورد نیاز کودکان وجود دارد که ما ۱۱ نوع از لازم‌ترین آنها را در چند این شماره بررسی کرده‌ایم.

## تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

### کارخانه نساجی سمنان:

## نمونه دردناک کار در شرایط طاغوتی

این عمل باشد، برای کارگر مزبور مشکلاتی فراهم خواهد آمد. نکته دیگر مسئله آب در این هوای گرم است. برای حدود ۳۰۰ نفر فقط ۸ قالب یخ تهیه می‌شود، نتیجتاً کمتر کارگری است که لب به آب یخ بزند.

نمونه دیگر: کوسک مخصوص سیگار کشیدن کارگران قبل از رفتن بود. برای آنکه در آن واحد، دوفرف در آن جای تفکیرند، در حال حاضر آنرا کوچک کرده‌اند (۵ متر در ۵ متر) این است انضباط دفرهنگ کسانی که فقط به منافع مادی خویش می‌اندیشند. کارگران این کارخانه که در ابتدای تاریخ شرایط کار قرار دارند، خواستار مرخصی برای پاکارمندان، طبق قانون کار هستند. آنها خواستار رسیدگی به امور بهداشتی در محیط کاره، یکار نگارندن کودکان خردسال، بخصوص در شیفت شبانه، (که احتمال خواب رفتن آنها در پشت دستکها و ایجاد حادثه می‌رود) هستند.

آنها خواستار پرداخت شیوه‌های افتخاراته‌ای که برای استعمار یشت بکار می‌روند، هستند. از جمله روشهای کارفرما شیوه افزایش شدت کار با همان مزد قبلی است که اکنون در کارخانه بکار می‌رود. مثلا یک کودک قبلاً یست دستگاه مسوره می‌زد و حالا ۶۰ دستگاه می‌زند. دیگر به نسبت افزایش مزد، شدت کار هم افزایش می‌یابد. و کارفرما تنها بخشی از سود خودرا کم کرده، بلکه حتی به مراتب به آن افزوده است.

کارگران خواستار رسیدگی قاطع به وضع بهداشت و بخصوص سالم بودن هوای سالها و رسیدگی به تفرقه خود هستند. توفیق اینکه برای افزایش مقاومت سلولهای بدن کارگران در برابر بیماری سل (که بیماری رایج در این گونه کارخانه‌هاست) باید به آنها در روز چندین بار شیر داده شود. لیکن در این کارخانه فقط ۴۰ کیلو شیر میان ۹۰۰ نفر تقسیم می‌شود، در حالی که بخشی از کارگران اصلاً شیر نمی‌خورند، چون به آنها شیر نمی‌رسد.

کارگران سندیکای ندارند. لیکن یک شورا پس از انقلاب بوجود آمده، که متأسفانه هنوز کار مثبتی انجام نداده است. و اگر انجام داده کارگران از آن اطلاع ندارند. زیرا که هیچ اعلامیه و یا قطعنامه‌ای صادر نکرده است.

از دیگر خواستهای کارگران، اختصاص یک اسحاق جداگانه در کارخانه، به نامپنده کارگران، برای پاسخگویی به سئوالات کارگران، در مورد امور صنفی خویش است.

کارخانه ریسندگی و نساجی سمنان با حدود ۹۰۰ کارگر در سه شیفت پارچه تولید می‌کند. حداقل و حداکثر مزد روزانه کارگران ۶۴۳ ریال و ۱۰۰۰ ریال است.

پیش از انقلاب، در نتیجه سفاکی‌های رژیم غارتگر پهلوی، کارگران نه تنها از هیچ امکان رفاهی برخوردار نبودند، بلکه حتی نمی‌توانستند نسبت به وضع تلفات بارخورد، کمترین اعتراضی نشان دهند. زیرا با عوامل منفور رژیم سرسپرده و وابسته به امپریالیسم یعنی ساواک و ایادی مستقیم و غیرمستقیم آن در برابر بودند.

پس از انقلاب کارگران چشم امید به دیگر گویهای اساسی داشته، و دارند. مردان با بر اساس قانونی که به تصویب شورای انقلاب رسید افزایش یافت و به حداقل ۲۳۳ ریال در روز رسید. لیکن این افزایش که با گرانی سرسام‌آور کالاها همراه بود، تأثیر عملی چندانی در تغییر و بهبود زندگی کارگران نداشت.

کارگران انتظار داشتند که با کسری در سطح کارخانه بعمل آید و عوامل فاشیست و یاطوغتی نظیر رئیس حسابداری، رئیس کارگری و کارفرمای کارخانه پاکسازی شوند. لیکن این اقدام تاکنون بعمل نیامده است.

از جمله اقدامات مسترکانه‌ای که در این کارخانه رویدادند، واقع چندین تنه پیش را می‌توان نام برد. در آن روز یکی از کارگران کارخانه در حال پاک کردن توب نخی بود که موش آنرا خورده بود. در همین هنگام رئیس حسابداری سر رسید و بنای دادویداد را گذاشت، و به بهانه اینکه کارگر مزبور قصد نابودی نخپار داشته، برای او پاپوش درست کرد. البته با دفاع جانانه‌ای که این کارگر از خود کرد و پشتیبانی کارگران دیگر، آقای رئیس حسابداری سر جای خود نشست. لیکن این سکوت و شکست به معنای تغییر ماحیت این شخص نیست.

از جمله مسائل دیگری که در این کارخانه برای کارگران، علاوه بر استثمار اقتصادی و از نظر تحمیل شرایط کارخانه مطرح است، ایستادن ساعت مداوم سرپاست. تاحدی که حتی فرست غذا خوردن به آنها داده نمی‌شود. کارگران ناچارند که حتی فرست چوب بگذارند و هر گاه احساس گرسنگی شدید کردند، آنرا ایستاده بچونند تا رفع ناراحتی شود. تازه حتی اگر مامور کنترل شاهد

## کارگران نظافتچی فرودگاه مهر آباد از هیچگونه مزایایی برخوردار نیستند

در فرودگاه مهر آباد تهران حدود صد نفر نظافتچی کار می‌کنند. کار آنها در سه نوبت (شیفت) است. یعنی از ساعت شش صبح تا دو بعد از ظهر، از ساعت دو تا هشت شب و از هشت تا ساعت شش بامداد مشغول کارند. از این تعداد هیچکس زنی و بقیه کارگر مرد هستند.

امروز نظافت فرودگاه را از حدود پنج ماه قبل شرکت «پابلیک پولیش» به کنتراکت کرده است و در مقابل هرام مبلغ چهارمصد و بیست و پنج هزار تومان دریافت می‌کند. هیچیک از کارگران به استخدام در نیا نمانده، چون هر چند وقت یکبار، شرکت تازه‌ای را وارد دست می‌گیرد و با تغییر شرکتها، کارگران به استخدام شرکت دیگری درمی‌آیند، به همین علت سابقه کار برای آنان محسوب نمی‌شود.

میزان حقوق ماهیانه کارگران حدود هفتصد هزار ریال است. از این مقدار نیز هزار تا دو هزار ریال بابت بیمه کس می‌شود.

کارگران نظافتچی از هیچگونه مزایایی برخوردار نیستند. آنان هر روز از راههای دور چون میدان اعدام، ناصر خسرو، شوش، امام زاده حسن و... خود را به فرودگاه می‌رسانند و چون سرویس برای آنها وجود ندارد مجبورند هر روز دوازده تومان کرایه ماشین بدهند.

نهار یا از خانه یا با خود می‌آورند و یا ناچار باید از غذای پیمانکاران فرودگاه استفاده کنند، و البته توانایی مالی لازم را ندارند.

حقوق ممکن، حق اولاد، حق خوابگاه نیز به آنان تعلق نمی‌گیرد و چون حداقل سابقه دوسال کار ندارند دریافت اینگونه حقوق برای آنها امکان ندارد.

کارگران تا همین اواخر روزانه دوازده ساعت کاری می‌کردند. در حال حاضر روزی هشت ساعت کار می‌کنند. آنها خواستار حقوق ساعات کار اضافی هستند که در مدت پنج ماه روزانه چهار ساعت اضافه کار کرده‌اند.

به نظر کارگران، میزان دستمزد خیلی کم است و کفاف زندگی آنها را با این گرانی سرسام آور نمی‌دهد. رئیس شرکت می‌گفت: «من با این ۳۲۵ هزار تومان نمی‌توانم حقوق بیشتری بدهم. باید هوابیمانی کشور مبلغ یکصد و هشتاد هزار تومان دیگر بدهد، ولی شرکت هوابیمانی قبول نکرده است.»

کارگران می‌گویند: «بهتر است کار نظافت را خود هوابیمانی کشور به عهده گیرد. در آن صورت وضع مائیز معلوم خواهد شد، چون حداقل رسمی می‌شویم. اگر وضع به این شکل باقی بماند، هر روز یک شرکت می‌آید و میرود و ما با زحمات در وضع بالاتر باقی می‌مانیم.»

کارگران شورا ندارند و خواهان تشکیل شورا هستند.

## دست واسطه‌های ز الوصف از زندگی زحمتکشان کوتاه!

شرکت کلین سرویس بیس باسوه استفاده از شکل بیکاری، آنان را درازا پر ناخ حقوق بسیار ناچیزی استخدام می‌کند. صاحبان این شرکت با استفاده از نفوذ خود در دستگاههای دولتی، با یستن قرارداد و دریافت مبالغ هنگفت، بیکاران را برای انجام امور نظافت، در اختیار ان موسسات قرار می‌دهند. میزان حقوق ماهیانه این مستخدمین از ۱۳۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰ ریال در مقابل ۸ تا ۱۲ ساعت کار روزانه (بر حسب ساعت کار آن موسسه) است. مستخدمین این شرکت، طبق قرارداد، موظف هستند حداقل پانزده روز کار کنند تا حقوقی به آنها تعلق گیرد. در صورتیکه قبل از این مدت بنا به علی کار را رها کنند، دیناری به آنها پرداخت نخواهد شد. یکی از شیوه‌های این شرکت

گرانی و کمبود کالا یکی از هزاران میراث شوم سیاستهای ضد خلقی رژیم سابق است. البته سرمایه‌داران بزرگ وابسته هم در داخل کشور با احتکار کالا و بالا بردن بیرونی قیمتها سبب تشدید بحران می‌شوند و از این طریق با امپریالیسم کمک می‌کنند. تلفات بدی را در این زمینه، از جمله وسایلی که کارگران را در این زمان ضرر می‌رساند، می‌توان نام برد. در این رابطه با چندین نفر از تعمیرکاران را در نظر بگیرید: تعمیرکاران میکربند: (تلفات بدی عمنان از زبان وارد می‌شد. با شروع انقلاب و اوج گیری ظواهرات مردم، صدور این قبیل کالاها به ایران کم شد. در حال حاضر کمترین معاویه اقتصادی امپریالیسم قرار دارم. بطور کلی قطع شده است. اما در کنار این عامل اصلی، عامل فاسدی دیگری نیز وجود دارد و آن احتکار کالا و افزایش نرخ آن از جانب سرمایه‌داران بزرگ است.)

تعمیرکاران از دولت میخواستند که با اقدامات عاجل خود جلوی اجحافات افراد سودجو را بگیرد. دولت باید از این افراد را بکشاید و امواتشان را در اختیار همگان قرار دهد.

بگفته تعمیرکاران: «قیمتها بطور سرسام‌آوری افزایش یافته است. بعنوان نمونه: قیمت ترانس تغذیه ۵۰ ریال بوده ولی حالا به ۲۰۰ ریال افزایش یافته است. تری استور صد پنجاه ریالی به هزار و دویست ریال (۱۰۰۰) رسیده است. صد و بیست ریالی به هشتصد ریال و لاسی دویست و پنجاه ریالی به پانصد و هشتاد ریال فروش می‌رسد. اینها فقط چند نمونه کوچک از افزایش گمشکن قیمتهاست.»

تعمیرکاران با صرف ساعتها وقت خود و هزاران خواش و تمنای قطعات بدی را با قیمت گرانی از سرمایه‌داران می‌خرند. آنها این لوازم را روی وسایلی برقی خرابی که برای تعمیر نزد آنان می‌آورند سواری می‌کنند. بدین ترتیب بیشترین ضرر را مشتری (مصرف کننده) متحمل میشود و بیشترین سود متوجه سرمایه‌دار میشود.

یکی از تعمیرکاران می‌گفت: «البته ما نیز به علت کمبود کالا

## چرا وزارت صنایع و معادن به خواستهای کارکنان شرکت صنایع دریایی ایران بی توجهی میکند؟

شرکت صنایع دریایی ایران در سال ۱۳۴۶ (بنام شرکت حفاری شاهپور) آغاز به کار کرد. گردانندگان شرکت غلامرضا پهلوی و چند تن آمریکایی بودند. آنها برای درگیر کردن شرکت را بنام چند تن از مجریه‌خواران خود با سرمایه ده میلیون ریال به ثبت رسانده بودند. پس از دو سال (در سال ۱۳۵۰) سرمایه شرکت به چهار صد و هشتاد میلیون ریال افزایش یافت.

پس از پیروزی انقلاب، صاحبان کارخانه فرای شدند و کارکنان با تلاش از خواباندن آن جلوگیری بعمل آوردند. شوری کارگاه، یک سال پیش شروع به کار کرد. یکی از بر نامه‌های شورا، حفاظت و نگهداری شرکت و اموال آن بود. شورا همچنین امور تعمیرات دریایی شرکتها را تأیید و تأمین - شيلات - کابون نیرو دریایی - شيلات و تمام کشتی‌های تخته‌ای را که در پوشه کار می‌کنند به عهده گرفت. شورا تاکنون همه کارهای شرکت را به مقامات مسئول گزارش داده است. کارکنان شرکت از مسئولین وزارت صنایع و معادن کله دارند که «بدان آنها نمی‌رسند».

کارکنان اظهار می‌دارند: «تنها کسی که با ما تاکنون همکاری کرده، به ما کمک کرده و مرتباً ما را به ادامه کار امیدوار کرده و همچنین جلوگیری از کارخانه را گرفته است. استاندار بوشهر است. او در زمانی که شورا قدرت پرداخت حقوق ما را نداشت، مبلغ دو میلیون و شصت و هفتاد و سه هزار تومان به شرکت قرض داد تا کارکنان در ایام نوروز بدون پول نمانند. استاندار بوشهر در مورد وصول طلبهای شرکت و تهیه مواد اولیه و کمکهای لازم جهت برپا نگهداشتن شرکت مؤثر بوده و هست».

خواستهای کارکنان عبارتند از: - رساندن ظرفیت کارگاه به پیش از دوازده ارتدن. - ملی کردن تمام کشتیهای کشتی سازی از جانب دولت و وابسته کردن آن به شرکت ملی نفت. - تعویض مدیرعامل فعلی و تعیین مدیرعامل دیگری که مورد تأیید شورای کارکنان باشد.

## کارگران بیلیران: وضع مالکیت کارخانه را روشن کنید

مقابل وزارت صنایع و معادن اجتماع کارگران می‌کنند که بایکی از کار- در صحبتی که با یکی از کار- گران داشتیم می‌گفت:

«در کارخانه میل ایران هنوز شوراها کارگری تشکیل نشده است، زیرا بسیاری از ۷۵ نفر کارگر این کارخانه یسوادند و از طرف دیگر آنها که اندک سواد دارند، مورد اعتماد بقیه نیستند. و این امر باعث انجام نشدن انتخابات روز دوشنبه نوزدهم خردادماه ۵۹ تشکیل یافتن شورا میشود».

## رفتار کارفرما با کارگران همچنان ظالمانه است

در بی شکایات دولتی از گارت - کارگران احکام صادره اداره کار در مورد عدم اجرای قانون کار اداره مزبور احکامی پسند کارگران صادر کرده. اجرای کامل قانون کار و رسیدگی بشکایات خود در مورد اضافه ستدته، بیمه بازنشستگی، و سایر مقررات و قوانین تصویب از طرف شورای انقلاب هستند. اداره کار پس از رسیدگی احکامی در نتیجه بنیغ کارگران صادر کرد:

۱- کارفرما موظف است کلیه باه التفاوت دستمزد کارگران را از تاریخ تصویب قانون کار مصوبه شورای انقلاب تا این تاریخ را به کارگران پرداخت کند. ۲- کارفرما باید طبق قانون کار کارگران را بیمه درمانی

**توجه!**  
واژنامه سیاسی اجتماعی که اخیراً تالیف شده بود توسط انتشارات حزب توده ایران تجدید چاپ شد.  
چاپ پنجم این واژنامه شامل معانی ۱۱۰ واژه اجتماعی و سیاسی است.

## تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

### \* اظهارات آقای آیت مورد نهایت تأسف و تحیر ماست

# بقائی، جاسوس جنایتکار سیا، مستوجب تیر باران است نه تمجید و مدافعه

**آقای دکتر حسن آیت، نماینده مجلس شورای ملی و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران، از جمله مطالبی دربارهٔ مظفر بقائی، جاسوس سیا، از سردمداران کودتای ۲۸ مرداد، در ایران گفته است که موجب تأسف و شگفتی است. او گفت:**

**«... ولی آنچه را که باید بگویم این است که دکتر بقائی اولین سیاستمداری بود که در سال ۴۴ از امام دفاع کرد...»**

دکتر بقائی، از همان اول طرفدار قانون اساسی بوده، ولی با وجود این اکنون نیز کنار تزه‌ها و مراغه‌ای‌های آمریکائی قرار گرفته است!

پیش از هر سخنی، معرفی گذرایی مظفر بقائی کرمانی، جاسوس کهنه کار سیا، جنایتکار، سازمانگر اجاسر و اربابش برای سرکوب جنبشهای حقیقیه مردم بین ما و همدست کودتاجان ۲۸ مرداد ضرور می‌نماید.

مظفر بقائی کرمانی از ایدای سرسپردهٔ امپریالیسم آمریکائست که همواره بخاطر حفظ و حراست از منافع فارتکرانهٔ این امپریالیسم، از هیچ کوششی دریغ نوردیده و در سراسر زندگی تنگین و جنایتکارانهٔ خود، برای ایجاد رخنه در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست، بخاطر انحراف افکار عمومی از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، «دشمن اصلی» خلق ما، زیر پرچم «خطر کمونیسم» تخم فتنه و دوگانگی افشاده است. او بعد از پایان مدت مجلس یازدهم (مرداد ۱۳۴۸) برای ترویج و اشاعهٔ خرافاتهای امپریالیسم آمریکا و توجیه و تحکیم شالوده‌های خوین سلطنت پهلوی روزنامه «شاهانه» را یا پول جاسوسان آمریکا و زیر نظر آنها برآه انداخت.

این اعتراف بپرده و بریان از زبان شخص او، نمایانگر ماهیت و راستای تفکر و عملکرد ضدانقلابی او، در جهت ضدکژکاری چارخانه‌ها و پیمانگران هست و نیست مردم محروم و زحمتکش کشور ماست.

در هنگامهٔ پیکار مردم ایران علیه شرکت غاصبانهٔ انگلیسی که ملت یکپارچه‌شانمار لئو قراردادها نفتی غارتگرانه و اسارت‌بار را می‌داد، برای آقای بقائی و همکاران، هایش مبارزه با امپریالیسم و دفاع از حقوق حقه و منافع ملی مطرح نبود. آنان عهده‌دار وظیفه نامقدس و شوم دیگری، یعنی هموار ساختن راه بر اقدامات ضدملی و استقلال‌شکنانهٔ اروپایان خود بودند. بقائی از زمان دربارهٔ لایحه الحاقی گسی-گلشایان که از ماهیت ضدملی و ارتجاعی برخوردار و در اصل تسلیم ذخایر نفتی در قبال قراردادی تنگین به امپریالیستها بود، در روزنامه «شاهانه» زبان جاسوسان آمریکائی نوشت:

میخواهند ایران بسرویسند و بیرند شوند به غیر و خوشی خانه پیدا کرد و خداوند پادشاه محبوب ما را حفظ فرموده بعد از آن سالهٔ شوم یک جریانی در مملکت پیش آمد که می‌بایستی پیش‌آمد هم بکنده، حزب توده ایران غیرقانونی اعلام شد و می‌بایستی هم بشود. سروید جناب آقای ساعد حضور عملی حضرت همایونی شرفیاب شوید و برسید که من در چند وقت قبل از این، این نظریه را به ایشان دادم. (کتاب «استیفاج مکی» بقائی و حاشی زاده در مجلس یازدهم، صفحه ۶۴)

خود داوری کنید! آنکس که شاه‌جنایتکار، سرپرست و پدر، اوست، آنکس که پیر خط پادشاه «محبوب است» آیا میتواند پشتیبان امام و خط امام باشد؟

مظفر بقائی کرمانی، فرمالیر خوش رقص امپریالیسم آمریکائی، سازمانگر چاقوآزاران در گذشته و حال است. او با پول و پشتکسی آمریکا در صحنهٔ مبارزات ملی مردم ایران، با ایفای نقش خائنه‌های بوده است و این نقش را همچنان برعهده دارد.

ساختن گروههای رنگارنگ برای ایجاد آشوب و ناآمنی و ایجاد تفرقه و پراکندگی، از تکنیک‌های شناخته شده امپریالیسم است. نقش ویژهٔ این گروههای چاقوآزار، یورش به احزاب و سازمانهای مترقی و از این راه فراهم آوردن زمینهٔ مساعد جهت وارد ساختن ضربات سبک به جنبش مردم است.

بقائی با سیاهی انقلابی‌نامه برای دستیابی به دو هدف: نخست مخالفت با ملی شدن نفت و در ثانی، ابراز دشمنی با اتحاد شوروی و حزب توده ایران، با گردآوری پشتی اربابش و مرده، حزب زحمتکشان (از تشکیل داد، او با بسیج خیل مزدوران چاقوآزار و چاقوآزار و یورش به تظاهرات و اجتماعات و راهبیمایهای نیروهای استقلال، ماموریت خود را به انجام رسانید. این به نفعش گذشته با اجتماعات مردم، بعد از دستمال در دادگاه فشار تهران یا فقر فروشی از اقبامات رذیله خود حرف بزند و ضمن اعتراضات روشن خود توضیح میدهد:

«چشم شهسای سام‌زین بود... کفتم مردم اجازه نخواهند داد بیگانه‌پرستان در سر سزار شهسای سی‌تیر حاضر شوند»

همان شب عده‌ای را فرستاد از سازمانهای حزب در وراچین و کرخ و هرات عمده‌ای با چوب و چماق آوردند و برندهٔ این باج‌بویه، گفتم به سئولیت خودم تودمای خواست نباید اینجا قلش را خرد کنید. میکشید به سئولیت من...» و همان روز طی پیامی به مردم و مبارزان (۱۱) نوشت:

مظفر بقائی بدافع پیگیری منافع آمریکا در ایران است. او در دوران ملی‌شدن نفت بدست دکتر محمد مصدق ضمن مدافعه از شرایط امپریالیسم آمریکا که در واقع جز شرایط اسارت کشور ما و تروتهای ملی آن به امپریالیسم آمریکا نبود، در مجلس دورهٔ یازدهم با کمال پیشرو میگوید: «با وضع کنونی آمریکا حق دارد که دیکتاتور نمی‌گردد؛ تا چشم ما کور شود!» (بانه‌هایی که آمریکا می‌آورد منطقی است!) ما چه بدی از آمریکا دیدیم؟ خوب، همیشه اروپایان در نزد توکران خود، رسولان نیکخواهند. چگونه می‌توان پذیرفت این نخستین سیاستمدار «مدافع امام»؟! «دشمن شماره یک» مردم بین ما را بیجا نیارد و آنرا دوست خود و خلق ما قلمداد کند؟ از آن گذشته به «پن» خیانت بقائی‌ها، با اجرای کودتای ۲۸ مرداد، مردم ایران ۲۵ سال آزار مغم تلخ «دیکتاتور» آمریکا را چشیدند و شلاق و پوستگی ستم و استعمار بر تن و جانانشان زخم نشاند.

مظفر بقائی کرمانی، عنصری ضدملی و ضدانقلابی است. این همکارکی پختیار و تزیه، هنگام معرفی خود به دادگاه اعلام می‌کند:

«... هیچکس بقدر من و دوستانم در ایران بر ضد انقلاب مبارزه نکرده است.» (اطلاعات - دوم دیماه ۱۳۴۰)

به ما اعتراض میکنند که چرا میخواهد قرارداد ملی‌سندی امضا شود. قرارداد باید لئو شود. در پاسخ میگویم اصل ساله این است که اگر قرارداد را لئو کنیم با هیئت حاکمه کنونی امکان به کار انداختن تاسیسات نیست... ما منتقدیم که در درجه اول با همین شرکت نفت فکلی قرار دادی منعقد سازیم. (۲۳ فروردین ماه ۱۳۴۹)

امپریالیسم آمریکا وظیفهٔ سرمداری مبارزه با حزب توده ایران و جناح چپ جنبش، بسیج و سازماندهی نیرو-های ارتجاع را در زیر پرچم آمریکا، به بقائی محول کرد و از این طریق خواهان تأمین یک قرارداد «دنیاسنده» از نوع قرارداد منعقد بین مرستان سعودی و آمریکا بود. (کارتشناسان او یک بدها نشان دادند که در این به اصطلاح تقسیم ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ علا فقط ۶ درصد درآمد نفت به کشور صاحب نفت میرسد و ۹۴ درصد دیگر سهم انحصارات امپریالیستی و دولتهای امپریالیستی است.)

مظفر بقائی کرمانی، فردی ضدانقلابی، سلطنت‌طلب، شیفته تحکیم پایه‌های رژیم ضدسرمی پهلوی و دشمن مردم سخت و دیوانه‌وار نیروهای پیگیری و راستین ضد امپریالیست است. او در مورد حادثهٔ ۱۵ بهمن ۲۷ در مجلس دورهٔ یازدهم چنین اظهار عقیده میکند:

«در اثر حوادث بعد از ۱۵ بهمن که بعدالله و به کوری چشم دشمنان ایران و به کوری چشم آن کسانی که»

شما بروید مقاومت کنید! بیگانه‌پرستان (۱۱) را ولو با ریختن خون باشد، از این مقبره مقسم جانبازان راه آزادی و استقلال برانید.» (شاهانه، ششم شهریور ۱۳۳۱)

بعد از انقلاب شکوهمند مردم مبین ما به رهبری امام خمینی، جناب بقائی اولین سیاستمدار پیرو خط امام، بنا به اطلاعات موقت و مطمئن همچنان به حرفهٔ کثیف خود مشغول است و گروههای چاقوآزار و چاقوآزار آجیر شده را بسپس و راهی میدان میکند تا با اختلالگریهای حادثه جوینا، بدبینی، ناراضگی، تفرقه و تشنج بیافرینند و اوضاع ناپسندان دلخواه امپریالیسم آمریکا در کشور حکمفرما شود و عملاً کار به دردم شکستن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیاورد. تا شاید با تشنج و چاقوآزاری با توطئه و خونریزی، ۲۸ مرداد دیگری را پهنی رسانند.

مظفر بقائی کرمانی، از جان‌نارنان شاه و از عاملین کودتای ۲۸ مرداد است. او با تشکیل حزب زحمتکشان که در واقع شمشیر از سازمان جاسوسی آمریکا در ایران بود و بعد از قیام خوین سام تیر ۱۳۳۱ در تدارک کودتای ۲۸ مرداد برآمد. خود او در دادگاه پیدایش داد سخن میدهد: «در غروب سام تیر که کمونیستها و موافقین آنها (هواداران دکتر مصدق) میخواستند دانهٔ جریان را به تغییر رژیم بکشند. من جز دوستانم بودم که آنان را به جای خود نشانیدم... در جلو حزب زحمتکشان توده‌ها هم بودند. شمار دادند که حالا قوام رفته باید رژیم عوض شود... ما سوگند خوردیم که به مقام سلطنت رفادار باشیم.» (دفاع در دادگاه، روزنامه اطلاعات ۹ دی ۱۳۴۰)

این عبارات مگر جز این معنی دیگری هم دارد که واژگون‌کنندگان رژیم پهلوی و مخالفان سلطنت در شمار دشمنان بقائی و بقائی‌ها هستند. این عبارات مگر جز این معنای دیگری هم دارد که بقائی‌ها لئون با سرنگون‌کنندگان رژیم سرآپا وابسته و جنایتکار پهلوی سر ستیز و دشمنی دارند و میخواهند آن باشد که دیگر نیست، چگونه می‌شود سلطنت خواست و در صف پیروان امام خمینی جای گرفت؟ رجاله‌های سیاسی و آستان‌سوسان دربار شاه در جبههٔ ضدانقلابند، نه انقلاب...

بقائی، جنایتکاری که دستانش به خون افشار طلوس‌ها و سرگرد ستغالی آفته است، خائنی که بیش از ۳۰ سال آشکارا جبری توطئه‌های دشمن اصلی مردم کشور ما، یعنی امپریالیسم آمریکا بوده و بدان اختصار بیکرده است. رجاله‌ای که سازمانده و اجرایشکنندهٔ شیطان بیرخها و دیگر اربابش علیه مبارزات مردم کشور ما بوده است، مستوجب تیر باران است، نه تمجید و مدافعه.

بقائی که نقش خائنه و جنایتکارانه وی از احوال میراشرفی‌ها که بپشم دادگاههای انقلاب محرم شدند، کشت لیوه است، چگونه از مجازات گریخته است و چه مستثنائی از این جنایتکار مزدور و جاسوس شناخته شدهٔ فسیه حمایت شوند.

ما بار دیگر تأسف و تحیر عمیق خود را از اظهارات آقای دکتر آیت، نماینده مجلس شورای ملی - این تیرهٔ خون دهن هزار شهید انقلاب ایران (و از جمله شهیدانی که بدست بقائی در خون خود طبع شدند) ماملوم داشته و پرسش-های خوین را از ایشان تکرار میکنیم.

### از «ویگای کردستان»، نشریه کوردی زبان مخفی حزب کمونیست عراق برای کوردستان عراق

## انتخابات در سایه چوبه‌دار و کشتار

درزبانیکه مردم عراق از سادترین حقوق دیکراریک محرومند و صدور احکام اعدام بپردری خودسرانه آناه دارد و کوردستان با بسب ویران و دزدیر پای نظامیان پایمال میشود و مبارزان دسته دسته اعدام یا دزدیر شکنجه‌سید میشوند، و دزدانیکه صهارز نفر از هم‌بینان شرافتمند به اتهامات ساختگی و دروغین به سزاهای ایران رانده میشوند و تروت و دارایی آنها با غارت می‌کنند... رژیم دیکتاتوری کندی انتخابات رایبه نمایشی میگذارد تا سیاهی زشت خود را با پرده خشمه و نیرنگ از انکار عمومی جهان بپوشاند و چنان جلوه دهد که در عراق دیکراسی برقرار است!

مافلا دوسد در بمرشدن همه جنایتهای رژیم نیستم و فقط به این مناسبت چند نمونه از جنایات و کشتارهای مستجمعی آن را یاد آرد میشود که رژیم یعنی عراق در سه ماهه اخیر که مشغول تدارک کار انتخابات بود، بدان دست زده است.

در ۱۶ رده (۱۹۸۰) خنگامیکه (۱۱) نفر از اهالی قریه بی‌سراسی نزدیک به شهر قلمه زره مشغول دروغلف برای احضام و موافقی خود بودند، ناگهان یکده سرباز آنها را محاصره کرده و پس از آنکه آنها را شدیداً مشرب پیاپی، همه را با کمر بندهای خودخفه میکنند که اساسی ۹ نفر از آنها از این قرار است: شخصی هم و سو، حسن همه‌سو، احمد عبدالله مینه، حسن احمد حسین، محمد رسول ابراهیم، حسین رسول حسن، محمد عبدالله احمد، حمد رسول ویسی، ابراهیم محمد رسول که در سن ۱۱ سالگی بود.

این جنایت وحشیانه منقماً تکانو داد و هزاران نفر از اهالی قلمه زره و اطراف آن در نتیجهٔ جنازه آنها شرکت کردند.

در ۱۷ رده از هلیکوپتر به گروهی از مردم در دزدیکی قریه (رشکان) واقع در منطقه شهر بازار، تیراندازی شده و ۱۵ نفر آنها را دستگیر و بوسیله هلیکوپتر به کرکوک می‌برند. یعنی با سزای قطع انگشتان دستها و با مشرب سنگین شدگان همه را کشته و پس از آنها مجدداً با هلیکوپترها بپحل دستگیری آورده رجا می‌کنند.

در ۱۳ رده از هلیکوپترها به گروهی دیگر از اهالی قریه (چورکی) از همان منطقه تیراندازی می‌کنند. شش نفر را کشته و بقیه را به کرکوک می‌برند که قلمه سروشت فقیمی در انتظار آنهاست.

در نیمه دوم ماه مارس پس از اعدام علامه شهید سید محمدباقر صدر، چند نفر را که در بغداد به اتهام انتساب به حزب لاهور دستگیر شده بودند، به استان قاصیه آوردند و وزارتخانه آنها را از زیر کزاری مجلس ختم، سوگواری منع کردند.

## رویدادهای ایالت آسام هند و نقش رهبران یکن

ملایانه خود را دنبال کند. چین که سیاست همکار و همدستی با امپریالیسم جهانی رژیمهای دست نشانده آن نظیر پاکستان، سر، شیلی و غیره در پیش گرفته است، لاجرم به دشمن طبیعی رژیمهای مردمی و نهضت‌های آزادیبخش تبدیل شده است. سیاست خصمانه و خرپکارانه که مائوئیستهای چینی در قبال کشور هندوستان در پیش گرفته‌اند آناه منطقی راهی است که از سالی پیش با مطرح کردن تئوریهای ضدانقلابی و ضد بشری پیموه‌اند.

اکتون برهنه خلقهای جهان آشکار شده است که تئوری که با مطرح کردن شمارهای مابواری انقلابی برای اولین بار از دگانه سوسیالیسم رده را می‌آورد. اتحاد جماهیر شوروی را به «روزی‌بویسم» و همکار یا امپریالیسم جهانی متهم ساخت چگونه خود اکتون به یکس از نزدیکترین متحدان و همسرگاران امپریالیسم آمریکا در اجرای سیاستهای شوم و جنایتکارانهٔ مشیطان بزرگ در مناطق مختلف جهان بدل شده است.

خائلیا و تحریکات دهریری مائوئیستی چین در هندوستان و یوپوره در ایالات شمال‌خاوری این کشور ماهیت ضدانقلابی این رژیم پوتنش ارتجاعی مائوئیستی چینی را در توطئه‌ها، تحریکات امپریالیسم علیه جنبشهای راهلی-بخش ملی و مبارزات خلقهای جهان برهنگان روشن می‌سازد.

کردن به اصطلاح شوروی مسجانه و مراضش دوا بر قدرت، هدف جز تأمین سیادت جهانی چین را دنبال نمی‌کنند. رویای ایجاد یک دولت حائل طرفدار چین در جنوب آسیا از مدتها پیش ذهن رهبران یکن را بغود مشغول داشته است و برای تحقق این رویا، مائوئیست‌های چینی، پانگیه بوجود برخی نارسانلیها در ایالات شمال خاوری هندوستان و بخصوص ایالت آسام، سالیاست که پانگیه و تقویت جدائی‌طلبان و شورشیان، جو ناآرامی را در این منطقه بوجود آورده‌اند.

این تحریکات و توطئه‌ها پابوی کار آمدن جدید پانو آندیرا گاندی بدست‌نخست‌وزیری هندوستان و دست بیشتری یافته است. زیرا یکن بر این امر آگاه است که سیاست خارجی دولت پانو گاندی را می‌بایست مستقل و ملی مبتنی بر عدم تمسب تشکیل میدهند. و از سوی دیگر روابط دولستان و همکاری‌های سازنده حکومت هندوستان با اتحاد جماهیر شوروی خاری است که همواره به چشم خواهد داد تا از این طریق نقشه‌های توسعه

دهریری مائوئیستی چین که بخاطر سیاست شورویستی و توسعه طلبانه خود عملاً بجهبه ارتجاع و امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا پیوسته است، آگاهانه در مقیاس جهانی بمناطق پانگیه سرمایه‌داری انحصاری جهانی خدمت میکند و در سرکوب و تحریک توطئه علیه رژیمهای مستقل ملی و جنبشهای راهلی‌بخش در منطقه فعالانه شرکت می‌جوید.

تلاشهای سلطه جوینا و توسعه طلبانه چین را باید دیالیه منطقی راهی دانست که دهریان این کشور پس از گسستن از اردوگاه سوسیالیسم و مخالفت با مشی اکثریت احزاب کمونیست جهان در پیش گرفتند و برای توجیه این مشی انحرافی از موضع چپ وارد عمل شدند. احزاب مارکسیست - لنینیست راه به روزی‌بویسم (۱) متهم ساختند و اتحاد جماهیر شوروی را همکار امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم (۲) نامیدند.

آماجوری نباید که چیره واقعی دهریری چین و ماهیت اندیشه‌های مابواری انقلابی مائوئیست‌درون در برابر جهانیان عریان شد.

اقدامات تجاوزکارانه و توسعه طلبانه دهریری چین علیه هندوستان که تقریباً از بیست سال پیش آغاز شد و ایجاد در گریزهای مرزی با این کشور از جمله تیلورات مشی انحرافی مائوئیستهای چین است که با مطرح

**رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب! آماده باشید!**

استاذ حزبی (اعلامیه‌ها، یابیه‌ها و...) منتشره در نامه مردم و آرگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل کثیرتیب و به توده‌های مردم بوسانید، در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مهم انقلابی است.

**رهبر چماقداران شاه مخلوع، کارمند کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در برلن غربی! ایران در برلن غربی!**

در پی اعلام انجمن اسلامی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، در مورد اختلاف سفارتخانه‌های ایران توسط وابستگان به رژیم مغفوری پهلوی، دانشجویان ایرانی مقیم برلن غربی، تقاب از چه‌ر یک دیگر از این خود فروختگان برداشتند.

این فرد امیر فضلی نام دارد و در سالیهای ۶۴ - ۱۹۶۲، رهبری چماقداران طرفدار شاه مخلوع را در وین برعهده داشته است. تحجیر رهبری او او پیشان چاقوآزاران به دانشجویان مغفور مخالف رژیم مغفوری پهلوی حمله برده و آنها را مشرب می‌ساختند.

بواسطه این خوش خدمتیه‌ها، امیر فضلی در «سفارت شاهنشاهی ایران» در وین بعنوان کارمند استخدام شد و متأسفانه هم‌اکنون نیز در کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در برلن غربی مشغول کار است. اینرا می‌گویند «سیاست نشر نفرتی» به سبب آقای نطب‌زاده!

**شماره‌های گذشته نامه مردم، برای فروش به طور تک‌شماره آماده است**

بدفتر نامه مردم، مراجعه فرمایید

در اواخر ماه رژیم یک کشتار وحشیانه راه انداخت که در آن ۱۹۳ نفر افسر و سرباز را اعدام کرد. در اسم اعدام، عده‌ای از سئولان بعثی حضور داشتند. قبل از این کشتار، عدلان حسین و گروحت با تمام کوشش برای تدارک کودتای اعدام شده بودند.

در استان بلسان ۲۳ نفر به اتهام انتساب به سازمان کار اسلامی، زیر شکنجه، کشته شدند و هنگامیکه چند آنها به بستگانشان تسلیم شده، دیدند که بریدن یکی از متولین، شماره ۴۲۵ نوشته شده است!

در استان بابل چهارده دانش آموز از دبیرستان (ابن‌حیجان) بجز داشتن چند اعلامیه مخالف رژیم بعث، اعدام شدند.

برقرارداد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

درجهان سوسیالیسم

ترقیات هر چه بیشتر کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی»

در سالهای گذشته، رشد نیروهای مولد و دگرگونی‌های ساختاری در بخش‌های گوناگون تولید مادی، به‌بالاترین سطح زندگی و فرهنگ کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» انجامیده است.

درجهان سرمایه‌داری

نزدیک به ۷ درصد نیروی کار بریتانیا هم‌اکنون بیکارند

چند روز پیش، اعلام آرقام جدید بیکاران، سروسامانی زیادی را در پارلمان بریتانیا پراکنید. بموجب این آمار، شماره بیکاران در ماه ژوئن بقدر ۵۰ هزار افزایش یافت و به ۱۶۵۶۷۶ رسید.

پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی مردم ایران بر هبری امام خمینی

کاخ بیدار و مبارز کنیم خانه حزب را بنام حزب توده ایران
وقایع حزبی، هواداران، دوستان حزب و هوستان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم.

سیاست اقتصادی و بازرگانی خارجی و محاصره اقتصادی جهان سرمایه‌داری علیه ایران

بخاطر استقلال اقتصادی و مناسبات برابر حقوق با همه کشورهای - بخاطر مقابله با دسیسه اقتصادی کشورهای امپریالیستی علیه انقلاب

مشروط نبودن، در مقابل این عمل دولت ژاپن، چهره‌ی توده‌ای مجارستان از آزادی نموده تا کار ساختن این مجتمع را با شرایط مناسب برای ایران به انجام برساند.

می‌بایست تحولی بنیادی انجام شود که پایه‌های اقتصاد ملی کشور را استحکام بخشد و موجب ثبات و رونق زندگی اقتصادی و بازرگانی گردد.

اتخاذ سیاست بازرگانی مبتنی بر مواضع عینی و پدور از هرگونه پیش - هاوریهای ذهنی که قبل از هر چیز منافع انقلاب و استحکام مبانی جمهوری اسلامی ایران در آن منظور شده باشد نه تنها میتواند تسلیرات منعی محاصره اقتصادی جهان سرمایه‌داری علیه کشور ما را خنثی کند، بلکه همچنین قادر است بنیاد اقتصادی کشور را استحکام بخشد و از پدیده‌های زیان بار در بازرگانی داخلی کشور جلوگیری نماید.

در شرایط نبودن به هیچ‌گونه قید و شرط سیاسی، ۲- با لایحه قانونی کیفیت کالاهای مورد معامله، ۳- اصل مناقضه در معاملات اقتصادی و بازرگانی با کشورهای خارجی، با توجه به این اصول میتوان روابط اقتصادی و بازرگانی خارجی کشور را گسترش داد و هر چه سریع‌تر از این آمدهای و چشم‌محاصره اقتصادی جهان سرمایه‌داری علیه جمهوری اسلامی ایران جلوگیری نمود.

در شرایط معاصر جهان با وجود خانوادۀ بزرگ کشورهای سوسیالیستی که دارای بنیه اقتصادی تیره‌منده و تکنولوژی در سطح عالی جهانی هستند، مقابله با فشارها و محاصره اقتصادی و بازرگانی جهان سرمایه‌داری برای کشورهای نواستقلال به مراتب آسان‌تر شده است. این کشورها با اتخاذ یک سیاست بازرگانی و اقتصادی خارجی مستقل و واقع‌بینانه می‌توانند از تمام تاثیرات منفی اینگونه فشارها و محاصره‌ها مصون باشند.

علیه عضویت رژیم قاپوس در جامعه عرب

دولت لیبی پیشنهاد کرده است رژیم دست‌نشانده عمان بخاطر اطمینان یکباره نظامی به امپریالیسم آمریکا از جامعه عرب خارج شود. لیبی اعلام کرده است وزیران خارجه جامعه عرب در اجلاس آن‌هم خود این پیشنهاد را مورد بررسی قرار دهند، رژیم سرسپرده قاپوس، اخیراً در یک اقدام خائنانه رسماً با اطمینان یکباره به آمریکا، سرزمین عمان را به پایگاه تجاوز و توطئه علیه مبارزه آزادی‌بخش خلقی منطقه تبدیل کرد.

تظاهرات اعتراض آمیز جوانان فیلیپین در برابر سفارت آمریکا

در منابیل پایتخت فیلیپین تظاهرات بزرگی از سوی جوانان شهر در مقابل سفارت آمریکا کنشگران، تظاهر کنندگان، سلفه‌آمیزان، کشور را مورد حمله قرار داده و خواستار بر - چیده شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشور شدند.

زحمتمکان حامی دولت انقلابی افغانستان

زحمتمکان افغانستان سیاستهای داخلی و خارجی دولت را مورد حمایت قاطع قرار میدهند. در ایالت‌های کونار و پاکتیاجتماعات گسترده‌ای برپا شده که طی آن کارگران، کشاورزان، روحانیون و روشنفکران انقلابی آمادگی خود را برای دفاع از استقلال و تمامیت کشور و انقلاب اعلام کردند.

رویدادهای جهان

کارت و دولت انگلیس حامیان «مبارزان» افغانی

عمدای از رهبران باسلاح مبارزان افغانی، چندروز پیش، در وزارت خارجه انگلیس مذاکراتی با مقامهای انگلیسی انجام دادند. به گزارش رسانه‌های گروهی غربی، سرپرست هیئت «مبارزان» «گلیانی» قول داده که در چند شماره گذشته نامه «مرد» اورا معرفی کرده‌ایم بصیحه داشته. مقامهای انگلیسی به خبرنگاران گفته‌اند نمیتوانند درباره جزئیات مذاکرات اطلاعات بیشتری منتشر کنند.

حزب کمونیست اسرائیل سیاست صهیونیستی را محکوم می کند

رهبری حزب کمونیست اسرائیل پس از بررسی اوضاع عمومی کشور و سرزمین های اشغالی عرب اعلام کرد افزایش سرکوب فلسطینی‌ها در سرزمین های اشغالی عرب بوسیله مقامهای صهیونیستی نتیجه مستقیم افزایش مقاومت و مبارزه مردم این سرزمینها است. حزب کمونیست اسرائیل اضافه کرد اشغالگران میخواهند نشان دهند تا چه حد در سرکوب مردم سرزمین های اشغالی سرسخت هستند. حزب کمونیست اسرائیل اوضاع سرزمین های اشغالی را برای صلح جهان خطرناک دانست و خواستار استعفا، دولت و انحلال پارلمان شده است.

بخاطر خدمت به تحکیم دوستی میان شوروی و ویتنام

از طرف ارگان های حکومتی جمهوری سوسیالیستی ویتنام به لئوئید برژنف رهبر اتحاد شوروی نشان ستاره ملاتی، عالیترین نشان جمهوری، اعطاء شده. همچنین به الکسی کاسیرکین نخست‌وزیر و میخائیل سوسلوف عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز نشان ستاره ملاتی اعطاء شد. رهبران اتحاد شوروی بخاطر خدمت به تحکیم دوستی و همکاری دو کشور نشان دریافت کرده‌اند.

تلاشهای جدید آمریکا برای تحمیل طرحهای نظامی خودبه کشورهای اروپایی عضو ناتو

امپریالیسم آمریکا شدیداً تلاش دارد کشورهای اروپایی عضو پیمان نظامی ناتو را هر چه بیشتر در طرح های تجاوزکارانه خود شرکت دهد. گزارش های رسیده از بن نشان میدهد مسئله لغو تحریم ساختن کشتی های جنگی بزرگ بوسیله آلمان فدرال، جدا مورد توجه ناتو قرار گرفته است. بعد از جنگ جهانی دوم، بموجب توافق های که بعمل آمده آلمان نمیتواند کشتی های جنگی بزرگ بسازد. محافل نظامی ناتو اعلام کرده‌اند لغو تحریم «تحتولی مثبت» خواهد بود.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

# رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق همان سر نوشت شاه مخلوع را خواهد داشت

وجع عظیم اعتراضات و تظاهرات خیابانی توده‌های وسیع مردم اسلام‌آباد و اکثر شهرهای دیگر پاکستان را فرا گرفته است. این خیزش توده‌ای از روز جمعه ۱۳ تیرماه با تظاهرات دوستانه از طرفی اهالی اسلام‌آباد آغاز گردید و سپس بدیگر شهرهای کشور سرایت نمود.

اهالی شهرها و روستاهای نزدیک به اسلام‌آباد، دسته‌دسته به اسلام‌آباد می‌آیند و به صفوف تظاهر کنندگان می‌پیوندند. طبق گزارشهای خبرگزاری‌ها و مطبوعات تاکنون متجاوز از دو میلیون نفر در سطح کشور در این تظاهرات شمولی شرکت کرده‌اند. حقوق‌آنان و وکلای دادگستری اسلام‌آباد که به محدود کردن حقوق و اختیارات دادگاههای غیرنظامی و تقویت و گسترش دادگاههای نظامی اعتراض دارند، ضمن انتقاد به توده‌های تظاهر کننده می‌گویند. رهبران تظاهر کنندگان، رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق را «رژیمی رسوا و مزوری» می‌نامند و به نمایندگی از جانب صدها هزار نفر شرکت کننده در تظاهرات اسلام‌آباد اعلام میدارند که مبارزات خود علیه این رژیم تا مرز گذشتن از چنان ادامه خواهند داد، رژیم دستنشانده ضیاءالحق مانند هر رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی برای مقابله با اعتراضات قانونی و حقوق‌طلبانه مردم به نیروی نظامی و پلیس متوسل شده است. واحدهای پلیس و ارتش بمنظور جلوگیری از گسترش تظاهرات در سطح شهر اسلام‌آباد، خیابانهای این شهر را مسدود کرده‌اند، هلیکوپترهای ارتش بر فراز اسلام‌آباد به پرواز درآمده و حرکات توهین‌آمیز تظاهر کنندگان را زیر کنترل گرفته‌اند. مسائل و شیوه‌های آمریکائی مقابله رژیمی دیکتاتوری نظامی یا ابزار خشم و اعتراض توده...

های خلق در اسلام‌آباد و دیگر شهرهای پاکستان بکار افتاده؛ گاز اشک‌آور، شلیک‌های هوایی و زمین تیربارها بروی تظاهر کنندگان، بازداشت‌های مستجمعی و اسلام حکومت نظامی یعنی تمام زورخانه رژیمی که بر سر - نیزه‌های آمریکائی متکی هستند، طبق گزارشاتی که در رسانه‌های گروهی و مطبوعات انتشار یافته در درگیریهای واحدی، بی‌سربس و پانزده کشته‌گان تاکنون چند نفر کشته و تعداد زیادی از اهالی اسلام‌آباد و دیگر شهرهای پاکستان زخمی شده‌اند. شمارها و خواسته‌هایی که تظاهر کنندگان مطرح میکنند نمودار پلنگ‌های آزادی و نارضایتی مردم کشور از مجموعه سیستم اباری و نظام اجتماعی حکمفرما بر این کشور و رژیم دستنشانده آمریکائی است که کشور را به اسارت وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی آمریکائی در آورده است.

در تظاهرات اسلام‌آباد و دیگر شهرهای پاکستان شمارها و خواسته‌های سیاسی و اقتصادی، لغو سانسور مطبوعات تأمین آزادیهای دموکراتیک، کاهش میزان مالیات و برگزاری انتخابات آزاد مطرح میشود. رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق که در سرپرستی به آمریکائیسم و پاسداری از مواضع سیاسی، اقتصادی و نظامی این آمریکائیسم جهان‌خواهر در کشور خود و در منطقه در ردیف رژیم جنایتکار شاه مخلوع است به آغاز همان پایانی که شاه مخلوع به آن دچار گشت نزدیک میشود. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران که ضربه

جبران‌ناپذیر سنگینی بر مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکائیسم آمریکا در ایران و در سطح منطقه وارد آمد، بخش بزرگی از امید آمریکائیسم آمریکا برای جبران این شکست متوجه پاکستان و رژیم دستنشانده خود در آن کشور گردید. ژنرال ضیاءالحق نیز این امیدواری را در دل آمریکا تقویت مینمود و ضمن بازگو کردن همان سخنان شاه مخلوع پاکستان را یک جزیره لثات در منطقه می‌نامید.

ضیاءالحق در یک مساجبه با شبکه تلویزیونی سی-بی-اس آمریکا اظهار داشت پاکستان امروز یک جزیره لثات است و بدین دلیل است که ما فکر میکنیم که آمریکا باید از آن بهره‌برداری کند، زیرا پاکستان عامل اصلی حفظ منافع نفتی است!

کوشش ضیاءالحق بمنظور جلب هرچه بیشتر پشتیبانی آمریکائیسم آمریکا از رژیم ضد خلقی خود به بپای تقویت گسترش وابستگی‌های کشور به آمریکائیسم آمریکا و تشدید محیط خفقان پلیسی در کشور و محرومیت کامل توده‌های مردم از دکرآسی و تبدیل کشور به پایگاه نظامی آمریکا بدست می‌آید. خود او در مساجبه می‌گوید گفت: دوستان (بخوان نوکران) آمریکا انتظار دارند که این کشور (آمریکائی) فعالیت و پرورش‌بخشی بوده و مدافعتی را که از دست داده است بازستاند، ما قویاً انتظار داریم که آمریکا خود را نشان دهد و ثابت کند که یک ابرقدرت است. آمریکا فانوس دریایی جهان آزاد است و باید بهمین

## رفیق توده‌ای به «جرم» فروختن روزنامه قانونی به سه ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق محکوم شد

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن عمل حاکم شروع شیزاز، شدیداً به این حکم اعتراض دارد و خواستار رسیدگی مقامات کشور به پرونده رفیق زندانی است.

یک رفیق توده‌ای بجرم فروختن روزنامه قانونی پیام مسروده در دادگاه انقلاب شیراز به سه ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق محکوم شد. رفیق ابراهیم میرهن فرقه، یک ماه پیش، هنگامیکه در مقابل کارخانه آدیدرام شیراز سرگرم فروختن روزنامه قانونی «پیام مردم» و بخش اعلامیه بود، دستگیر و به زندان برده شد. صبح دویز محاکمه این رفیق بجرم فروش روزنامه‌ای که دارای امتیاز از دولت جمهوری اسلامی ایران است در دادگاه انقلاب شیراز، که حاکم شرع آن آقای عبدالملک است، آغاز شد. مطابق حکم شرع به آن ترتیب اثری

نداد و قلمیت آنرا اعلام کرد. این حکم در شرایطی صادر میشود که کار دادگاه انقلاب اسلامی شیراز مورد اعتراض شدید مردم شیراز است و حجت‌الاسلام خلیفانی هم در مسافرت خود به شیراز شدیداً به حکم شرع این عمل حمله کرده و سپهسالاری دادگاه شیراز را در مورد جنانیکاران رژیم سابق شدیداً محکوم کرده است.

سه ماه زندان و ۸۰ ضربه شلاق سنگینی برای یک انقلابی در نظر گرفته میشود که قاتلان مردم شیراز در روزهای انقلاب، آزادانه در خیابانها می‌گردند و بستگان شدیداً برای محاکمه قاتلان عزیزان خود به تهرآن آمدند. در چنین شرایطی دادگاه انقلاب به محاکمه انقلابیون پرداخته و بسیاری آنان دستگیر و شلاق صادر میکند.

حزب توده ایران شدیداً به این حکم مسروده اعتراض دارد و خواستار رسیدگی مقامات مسئول کشور به پرونده رفیق ابراهیم میرهن فرقه و با وساطت پاسداران و دادستان به سه ماه حبس و ۸۰ ضربه شلاق تخفیف یافت. رفیق میرهن باز دیگر باین حکم ظالمانه اعتراض کرد، اما حاکم شرع به آن ترتیب اثری

## در نشست دبیرخانه دائمی کنگره سراسری خلق عرب

دبیرخانه دائمی کنگره سراسری خلق عرب که سازمان‌های سیاسی، خلقی، واجتماعی اکثریت قریب باتفاق کشورهای عرب را دربر می‌گیرد، اخیراً به چهارمین نشست خود که در طرابلس برگزار شده است.

در قلمنامه‌ای که در این نشست به تصویب رسید سیاست آمریکائیسم آمریکا در خاورمیانه و تلاش‌های وی برای تحمیل اراده خود بر خلق‌های منطقه قویاً محکوم شده است. در این قلمنامه آمده است، آمریکائیسم آمریکا با تمام اقوادم جهت دستیابی به اهداف ننگین خود با کمک و بدون کمک از برای غریب فعالیت می‌کند و قصد دارد با ایجاد تغییرات جزئی در مواضع کنگره دیوبند توجه کشورهای دیگری را نیز به این مواضع جلب کند. آمریکائیسم آمریکا با کمک رژیم خائن سادات مصر در راهپیکار نظامی خود تبدیل کرده است و هم‌راه با آمریکا علیه انقلاب ایران توطئه می‌کند، اتیوپی را مورد تهدید قرار می‌دهد، مبارزات خلق طلبانه میهن پرستان مصر را سرکوب می‌کند و برای یک تجاوز دیگر علیه لیبی با حمایت مستقیم اسرائیل و صهیونیسم جهانی تدارک دیده شده است و هدف این حمله نابود کردن رژیم مترقی لیبی است که قلمنامه باطن‌های تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه، در قریب و بطور کلی در قاره آفریقا مبارزه می‌کند.

دبیرخانه دائمی کنگره سراسری خلق عرب حمایت از لیبی را در مقابله با نیروهای امپریالیسم و رژیم سادات وهمدستان او را وظیفه همه اعراب و اعضای جبهه پایداری عرب میدانند، این قلمنامه به‌جامعه عرب، سازمان وحت آفریقا و جنبش‌های متعهد و دیگر سازمان‌ها توصیه می‌کند به و خامت اوضاع در منطقه مرز مصر و لیبی توجه کرده و مسئولیت خود را در این مورد از یاد نبرند.

کنگره سراسری خلق عرب در اعتراض به سیاست تسلیم طلبانه رژیم سادات روز ۲۳ ژوئیه یعنی روز انقلاب مصر را که به رهبری جمال عبدالناصر بوقوع پیوست روز خشم ملت عرب اعلام میکند و خواستار این است که در این روز تظاهرات مسالمت‌آمیزی در مقابل سفارت‌خانه‌های مصر و آمریکا در کشورهای عربی برپا شود. کنگره حمایت خود را از مبارزه خلق‌های خلیج فارس علیه توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع اعلام کرده و مواضع نامه آمریکا و عمان را که بر طبق مفاد آن عمان به پایگاه آمریکا تبدیل شده و بدین وسیله امنیت کشورهای همسایه را به‌خطر افکند است، محکوم کرد. شرکت کنندگان از جامعه عرب خواستند رژیم عمان را از این جامعه اخراج کنند. قلمنامه همه‌تکی خود را با جبهه خلق برای آزادی عمان اعلام کرد و خواستار سرنگونی رژیم ضد خلقی قابوس شد.



## تشدید توطئه تبلیغاتی آمریکا و مصر علیه ایران

خبرگزاری جاننا (لیبی) گزارش داد بدستور سادات یک «سرویس ویژه ایرانی» در رادیوی ناهره تشکیل شده است. این سرویس تحت نظر کارشناسان سیا اداره میشود و برنامه‌هایی به زبان فارسی علیه انقلاب ایران و رهبری انقلاب پخش میکند.

## در کنفرانس جبهه اتحاد ملی نجات ملی کامپوجیا

کنفرانس جبهه اتحاد ملی نجات کامپوجیا در پنجمین بکار خود پایان داد. شرکت کنندگان در کنفرانس لزوم هرچه فشرده تر کردن سفوف خلق را تحت رهبری جبهه اتحاد ملی نجات کامپوجیا مورد تأکید قرار داد و تأیید کرد که برای خنثی کردن توطئه‌های بیگانه‌سازی و دیگر نیروهای ارتجاعی منطقه که خواهان خرابکاری در انقلاب کامپوجیا هستند ایجاد شده است مورد بحث قرار دادند. کنفرانس در قلمنامه خود سیاست‌گذاری خلق کامپوجیا را از اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان بغض‌خوار حمایت از انقلاب کامپوجیا ابراز داشته است.

## کوبا دارای پیشرفته‌ترین بهداری آمریکای لاتین است

چند روز پیش، فیدل کاسترو، هنگام کنایش یکی از بهترین بهداریهای کوبا در لایوناس، واقع در شرق جزیره، که زمانی یکی از عقب افتاده‌ترین نواحی کوبا بشمار میرفت، گفت: «آزادی راستین، آسان بدست نمی‌آید.» فیدل کاسترو سپس تر از نامه‌ای از دستاوردهای درخشان کوبا را در گزاریه بهداری ارائه داشت.

انتظار هم در کوبا، پیش از ۷۰ سال، یعنی بالاتر از همه کشورهای آمریکای لاتین است و به رقم مشابه در ایالات متحده آمریکا نزدیک میشود. آنگه مرکز هم ۱۹/۳۳ در هزار از همه کشورهای آمریکای لاتین کمتر است.

در سال ۱۳۳۸، شماره پزشکان کوبا از ۶۰۰۰ تجاوز نمیکرد، که پس از انقلاب، ۵۰ درصد آنها از کشور گزینند، بیست سال بعد از انقلاب، در نخستین کشور سوسیالیستی قاره آمریکا ۱۳۹۵۸ پزشک عمومی، ۲۹۷۳ دندانپزشک و ۳۵۱۶ دکتر متخصص به انجام وظیفه مشغولند. فیدل کاسترو یادآور شده، که امپریالیسم میکوشد تا با تبلیغات گوش‌خراش خود، اینگونه دستاوردها را در کوبا سوسیالیستی پرده‌پوشی کند. در حالی که هم‌هنگام میداند، بهداری پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری نیز نتواند چنین پیشرفت‌هایی را قوت نمی‌تواند بکند، بلکه در برخی از آنها، از جمله در ایالات متحده آمریکا، دروضی فاجعه‌بار است.

## نظر رهبر سواپو در باره مذاکرات با دولت ژنرال پرت

خوش خدمتی به امپریالیسم افریقایی جنوبی

سام نجوما رهبر سازمان خلق آفریقایی جنوب غربی (سواپو) - سازمانی که علیه استعمارگران نژادپرست آفریقایی جنوبی در نامیبیا بپیکار میکند، گفت برای بیرون راندن اشغالگران از نامیبیا راهی جز مبارزه مسلحانه وجود ندارد. نجوما تأکید کرد تا زمانیکه رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی به کمک‌های همه جانبه قدرتمند غربی اتکا داشته باشد مذاکرات با این دولت بجزئی نمیرسد. رهبر سواپو گفت سیاست اتحاد شوروی در دفاع از خلق‌های آفریقایی، در نابودی ستم استعماری در آفریقا نقش مهمی داشته است.

## تابلند به مرکز توطئه علیه خلقهای هندوچین تبدیل شده است

رادیو لاوس اعلام کرد تا بلند در مرکز مشترک در کشور به تشنج دامن‌میزند. تا بقرهای مسلح تا بلندی در رود منگون به آبهای سرزمین لاوس تجاوز کردند. تا بلند مرز دو کشور را مسدود کرده و تاکنون به تقاضای دولت لاوس برای مذاکره پاسخی نداده است. اقدامات رژیم دست نشانده تا بلند در مرز لاوس، در توطئه مقام‌های این کشور، علیه انقلاب کامپوجیا صورت می‌گیرد. تا بلند با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا و یکن به مرکز توطئه علیه خلق‌های هندوچین تبدیل شده است. امپریالیسم آمریکا در روزهای اخیر ارسال سلاح برای رژیم تا بلند را افزایش داد. و این رژیم وارد اقدام علیه همسایگان تقویت میکند.

## وزیر خارجه کویت و ادعای آمریکا در باره «خطر شوروی»

شیخ صباح الاحمد الصباح وزیر خارجه کویت در مساجبه با هفته‌نامه النهار عربی - والدولی گفت «در منطقه خلیج فارس خطری از ناحیه اتحاد شوروی وجود ندارد». وزیر خارجه کویت اضافه کرد برخلاف ادعای آمریکا و پاره‌های از کشورهای منطقه خلیج فارس، اتحاد شوروی هرگز قصد ندارد بمیدان‌های نفتی حمله کند. وی اضافه کرد شوروی خود یک صادر کننده نفت است. وزیر خارجه کویت در قسمت دیگری از مساجبه خود تأکید کرد امراب از آمریکا نخواستند که از منطقه دفاع کند.

## دستور به کار افتادن مجدد طرح گسترش پتروشیمی شیراز صادر شد

وزیر نفت، روز شنبه (۱۴ اردیبهشت) در جمع عمومی شورای کارکنان شرکت‌های «تیمین» و «ناگام» و «شازند» در محل کارگاه طرح گسترش در جنب کارخانه پتروشیمی شیراز حاضر شد. در این جمع، وزیر نفت به نمایندگان کارگران اظهار داشت که طرح گسترش پتروشیمی شیراز باید هرچه زودتر شروع به کار کند. وی گفت که برای این طرح، سرمایه گذاری‌های زیادی شده و از آن باید استفاده شود.

پس از پایان کار مجمع، وزیر نفت بنابه خواست ۱۳۰۰ کارگر بیکار شده این طرح، در جمع آنها حاضر شد و به آنها دستور سرکارت رفت و شروع مجدد کار طرح گسترش را صادر کرد. کار طرح گسترش پتروشیمی شیراز، جهت تولید کرد شیمیائی به‌همت کارگران و کارکنان شرکت فرق، در حدود چهلین ماه باپیکار و جدیت شدید کارکنان و کارگران ادامه داشت و تعداد کارگران به ۱۲۰۰ نفر رسید. بعد از این مدت، به علت مسدود دستور ناسنجیده و ناچاپنی که از طرف مسئولین اجرائی این طرح (کارفرما) و بدون مشاوری باوزیر مشول صادر شده، طرح متوقف وزندگی ۱۲۰۰ کارگر و کارمند و خانواده‌د هایشان به خطر افتاد. با پیگیری و کوشش کارگران و کارکنان از طریق شوراهای شرکت بیمائکاری و همچنین مزیت یک گروه ۶ نفری از نمایندگان منتخب شوراهای کارکنان شرکت‌های سه‌گانه به تهران و مراجعه آنها به دفتر امام و دفتر ریاست جمهوری وزیر نفت و بانامیه اکید دفتر امام وسفر وزیر نفت به شیراز، دستور فوق‌مینی برپه‌کار افتادن مجدد «طرح گسترش» صادر شد. مالز این دستور صحیح و به‌کار افتادن دوباره «طرح گسترش» خرسندیم و خوشحالیم که توطئه ضد انقلاب در این مورد به ثمر نرسید و این طرح ملی که میتواند مقدار زیادی از نیاز کرد شیمیائی ما را تامین کند، مجدداً شروع به کار کرد. ما امیدواریم که معاضدت که آقای وزیر نفت و کارکنان و کارگران عقیده دارند متداول این طرح در حین کار بررسی و مرتفع گردد. در این رابطه پیرو دستور امام تصفیه ضدانقلاب در کلیه دستگاههای دولتی باید انجام گیرد وحشدار می‌دهیم که پیمانکاران شرکتی فوق، هنوز خود را با انقلاب وفق نداده‌اند و باید از کارکنی های آینده‌تان جلوگیری شود.

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

۷۰۰۰ ریال

### کمک مالی از میوان مستقیماً به دفتر حزب داد ویا با تلفن‌های ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹-۹۳۳۳۵۰ آمادگی خود را اعلام داشت. ازطرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقه‌مندان میتوانند کمک مالی خود را بپسند یا تکی به نام قی کی‌مشر و به شماره ۳۳۳۲ شنبه ۳۱۸ بانگ ملی ایران (شبه‌شاه اسماعیل صوفی)، خیابان شوید دکتر حسین قلمی ببرند. آن کمک کنندگان خواهشمندیم فتوگی قیوش بانکی را برای ما ارسال دارند.

### آزادی رفقای دستگیر شده در کرمان

پدیده‌های دستگیری غیرقانونی و یازده تن از اعضا و هواداران حزب توده ایران در کرمان در پی دادگاه انقلاب اسلامی کرمان، حجت الاسلام غمپس پس از گفتگویی با مقامات دستگیر شده، حکم به آزادی آنها داد.

حجت الاسلام غمپس در صحبت با رفقای گفته بود، فعالیت گروه‌ها و احزابی که توطئه نکنند آزاد است. سپس از رفقایش خواسته میشود که یا ضمانتنامه ای ارائه کنند یا ضامن معرفی کنند که رفقای پاسخ میدهند که «بهبترین ضامن حاضر است ماست که از خطمشی اصولی و خط ضد امپریالیستی و خلقی امام دفاع می‌کنند».

در پی این گفتگو حجت الاسلام غمپس رأی به آزادی رفقای میدهد.

### روش توزیع گوشت باعث سوءجوی‌های نازوا شده است

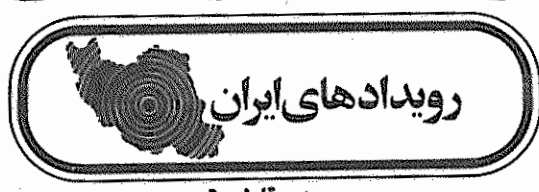
توزیع گوشت در سطح شهر تهران، با وجود چیره‌بندی کردن گوشت منسرفی در هر محله، به وسیله ارگان‌های مختلف باعث سوءجوی‌های نازوا شده است.

اخیراً در بسیاری از نقاط تهران، مقامات محل برای جلوگیری از تشکیلات صفتی طویلی و ازدحام مردم در مقابل قصابی‌ها تصمیم به چیره‌بندی گوشت گرفتند و بهیچ‌نوعی اجازه کثرت یا دفع چای دادند. این عمل مثبت باعث بی‌چیده شدن صفها شد اما مشکلاتی نیز به بار آورد. به این ترتیب که خانواده‌ها را به پایلهای مختلف از قبیل ناچیز بودن مقدار چیره‌بندی یا نداشتن وقت در ساعات معین گوشت کوش مردم در مقابل صفها متحمل می‌شوند تا چاره‌ای نداشته باشند. بعضی از قصابی‌ها یاد دلالان محل نیز از این مسئله سوخته و گوشه‌را با قیامت گرانتر می‌چلوکوب‌های فرورشد.

اما مقامات مسئول مصرا به می‌خواهیم که هر چه زودتر با نظارت دقیق خود، جلو اینگونه سوءجوی‌های نازوا را بگیرند.

### با اعلام جرم رئیس جمهوری بار دیگر روشن شد: ماهیت جنایتکارانه خبرنگاران امپریالیستی

کارنامه خبرنگاران امپریالیستی در یک سال و نیم گذشته چیزی غیر از جاسوسی و سرپاشی نبوده است



### رویدادهای ایران عدم قاطعیت

متأسفانه باید گفت با خبرنگاران امپریالیستی با قاطعیت برخورد نشده است و خبرنگاران غربی، بویژه خبرنگاران آمریکایی در ایران کاملاً آزادانه فعالیت داشته‌اند. گاهی کوتاه به‌تاریخچه این فعالیتها مرور می‌نمایند.

در این زمینه ابوالقاسم صادق، می‌گوید: «خبرنگاران خارجی که تعدادشان در ایران بسیار بوده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تعداد آنها به ۳۰ نفر از سراسر جهان محدود شد. بعد از اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام این تعداد به ۳۰۰ نفر بالغ گشت که از ۳۰ کشور جهان اکثریت پستی حدود ۱۰۰ نفر از آمریکا بودند.»

باید به این سخنان این واقعت را افزود که بعد از انقلاب هیچ‌یک از مراکز خبرگزاری‌ها در ایران تعطیل نشدند. حتی پس از آنکه در تابستان سال گذشته روشن شد خبرنگاران غربی چگونه مطبوعات سراسر جهان را از تبلیغات علیه انقلاب ایران آکنده‌اند و ۱۷ خبرنگار خارجی از ایران اخراج شدند. بازم این مراکز فعال ماند. تا پایان تابستان سال ۱۳۵۸ ستاد ملیاتی «تایم» که بعد رئیس آن از جاسوسان فعال «سیاه از آب درآمد و اخراج شد، در ایران رسماً فعالیت داشت.

متأسفانه اخراج خبرنگاران غربی هم چون به‌خودخبرنگار توجه شد و نه به سیستمی که در آن فعالیت دارند، بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی خبرنگاران دیگری اجازه یافتند از همان خبرنگارها با بنام خبرگزاری دیگر وارد ایران شوند.

بعد از اشغال لانه جاسوسی آمریکا «به‌شورای انقلاب پیشنهاد شد که خبرنگاران کشورهای آلمان غربی و انگلستان اخراج شوند. شورای انقلاب با اخراج کلیه آنها موافقت کرد و ما در حدود ۱۰۰ نفر از آنها را اخراج کردیم» (ابوالقاسم صادق - جمهوری اسلامی - ۱۳۰۱/۱۰/۲۰) و با این ترتیب خبرنگاران غربی بویژه آمریکایی‌ها از ایران اخراج شدند و مراکز خبری آنها تعطیل شد و تنها خبرگزاری فرانسه که گویا طرفدار انقلاب ایران بود به فعالیت ادامه داد.

در آن هنگام رسماً از طرف عالی‌ترین ارگان تصمیم‌گیری کشور اعلام شد: «خبرنگاران آمریکایی بر اساس تصمیم شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران اجازه فعالیت در ایران را ندارند» (انقلاب اسلامی - ۱۳۰۱/۱۱/۱۲) «علاوین نتیجه حاصل شد که با اخراج خبرنگاران امپریالیستی: «در تمام مدتی که خبرنگاران آمریکایی از ایران اخراج شده بودند، جو اروپا و آمریکا تغییر کرده بود» (ابوالقاسم صادق - ۱۳۰۱/۱۰/۲۰ - جمهوری اسلامی).

اما این وضع چندان دوام نبرد و به‌شورای وزارت ارشاد ملی و وزارت امور خارجه قرار شد که به گروهی خبری-بی‌طرفی در کشور که مستقل از خبرگزاری کار می‌کنند (همانجا) اجازه داده شد که به ایران بیایند. و با این ترتیب با همت و زوری ارشاد و امور خارجه بازگشت خبرنگاران امپریالیستی به ایران آغاز شد و آنها تحت عناوین مختلف به کشور ما بازگشتند و آمریکا را دیگر قدر دوستان را داشت!

### کوشش‌های آقای صادق قطب‌زاده

در این میان آقای صادق قطب‌زاده برای بازگشت خبرنگاران امپریالیستی و بویژه خبرنگاران آمریکایی فعالیت بسیار می‌کرده حتی در آن زمان که همه خبرنگاران اخراج شده بودند: «طی نامه‌ای به آقای قطب‌زاده و روش ایشان در مورد خبرنگاران خارجی اعتراض کردم. در زمانی که طبق تصمیم شورای انقلاب هیئت وزیران تمام آمریکا را

خبرگزاری فرانسه، تنها مرکز باقی‌مانده از خبرنگاران امپریالیستی در ایران، اکنون با اعلام جرم رئیس جمهوری ایران بار دیگر افشاء شده است. رئیس جمهور ایران در اعلام جرم خود علیه ایس‌ان خبرگزاری که تسلیم دادستان کل انقلاب اسلامی ایران شده تعطیل آن و اخراج مسئولش را خواسته است؟

اعلام جرم رئیس جمهوری ایران به این دلیل است که: «مسلم تصد خبرنگاری نامبرده از غلو حقایق به منظور ایجاد فتنه و آشوب و اغتشاش از یک طرف و متشوش نمودن افکار عمومی از طرف دیگر و نیز تشویش اذهان مام مردم دنیانسبت به اوضاع داخلی کشور مایوده‌است». این حقایق که در اعلام جرم ریاست جمهوری آمده ماهیت خبرگزاری‌های امپریالیستی و نحوه فعالیت آنها را در نقاط مختلف جهان و از جمله در ایران روشن می‌کند.

بررسی فعالیت خبرنگاری‌ها و خبرنگاران امپریالیستی در دوران بعد از انقلاب نشان میدهد که از سویی همه فعالیت این کارگران امپریالیست علیه انقلاب ایران بوده و از سوی دیگر درباره آنها انقلابی رفتار نشده و خبرنگارانی که در اکثریت خود جاسوسان امپریالیست هستند آزادانه به فعالیت علیه انقلاب ایران پرداخته‌اند.

بررسی خبرنگاران خارجی و ایران چه می‌کنند؟ پاسخ این سؤال و مقامات مسئول ایرانی که در طول یک سال و نیم بعد از انقلاب در ارتباط مستقیم با خبرنگاران بوده‌اند، می‌دهند. ابوالقاسم صادق مدیرکل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد ملی که مسئولیتش مستقیماً به خبرنگاران خارجی مربوط بود و از جمله بخاطر افشاء خبرنگاران آمریکایی در نتیجه اقدامات وزیر امور خارجه ایران برکنار شد می‌گوید: «ما باید اینرا بدیدیم که منافع غرب در ایران ازین رفته است و بویژه دلیل آنان همواره در پی این هستند که خبرهای وابه‌ما وارد نمایند. و برای این کار خبرنگاران بهترین افرادی هستند که می‌توانند مورد استفاده سازمان‌های جاسوسی و سیاستمداران آن کشورها قرار گیرند. وقتی که آقای براون رئیس قسمت دفا می‌آمیکا در یک جلسه مطبوعاتی می‌گوید که ما می‌خواهیم از وجود خبرنگاران برای انجام نقشه‌های سیا استفاده نماییم دیگر جای بحثی نمی‌ماند که این کار انجام می‌شده است» (جمهوری اسلامی - ۱۳۰۱/۱۰/۲۰)

بر این نظر، اعتراف صریح کارتر و دالرا بر اینکه سیا از خبرنگاران بعنوان جاسوسی استفاده می‌کند بی‌اثر نیست: «سه شخصیت اصلی طرح نجات گروگانها از جاسوسخانه آمریکا در تهران تحت عنوان خبرنگار و فیلمبردار وارد جاسوسخانه خواهند شد و ماموریت خویش را انجام می‌دهند» (سرگرد - لینکلن - جاسوس سیا - جمهوری اسلامی، اول خرداد ۵۹)

با این ترتیب وظیفه اساسی خبرنگاران غربی بویژه آمریکایی‌ها روشن است. آنستکه از خبرنگاران غربی هم که جاسوس نیستند، در واقع مکمل دوستان جاسوسی خود هستند و بر اساس برنامه ریزی دقیق خبرنگارها که خود از اقدام‌های اصلی امپریالیست هستند نوع اخبار و تبلیغاتی که باید جهان را مسموم کند سازمان می‌دهند.

در نتیجه، حضور خبرنگاران غربی - در اکثریت مطلق خود غیر از آنها که وابسته به احزاب کمونیست و سایر گروه‌های مترقی جوامع سرمایه‌داری هستند - معنای غیر از حضور نمایندگان امپریالیست ندارد. این اصل در همه جهان بارها و بارها به‌الیهات رسیده است و به قانون همه انقلاب‌ها تبدیل شده است که باید توطئه خبرنگاران امپریالیست را ریشه کن کند. انقلاب ایران در این زمینه چه کرده است؟

در جلسه علنی دیروز مجلس که ساعت ۱۰:۱۵ رسمیت یافت و پس از توضیحات و سخنان قبل از دستور چندین از نمایندگان، ابتدا شجونی، مخبر شعبه ۸، پرونده آقای علی میهنی نماینده کمپوچ را قرائت کرد. این پرونده در شعبه ۶ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف و ۷ رای ممتنع تأیید شده بود لیکن به علت اینکه تعداد آراء ممتنع در مورد پرونده زیاد بود دوباره به شعبه ۸ برای تحقیق بیشتر ارجاع شد.

سپس دکتر سبحانی متن استعفانامه آقای محمدتقی مطهری نماینده فریمان را قرائت کرد. لازم به تذکر است که اعتبارنامه وی در کمیسیون تحقیق مجلس مردود شناخته شده بود. یکی از نمایندگان مجلس از هیئت رئیسه مجلس خواست که درباره پرونده خسرو تشقایی که حدود یکماه است به کمیسیون تحقیق ارجاع شده، توضیح دهند. وی گفت که طبق آیین‌نامه مجلس بایستی ۱۰ روز پس از ارجاع هر پرونده‌ای به کمیسیون تحقیق، رای کمیسیون درباره آن صادر شود. دکتر سبحانی پاسخ گفت: «آقای خسرو تشقایی برای دفاع از خود احضار شده‌اند ولی هنوز نیامده‌اند...»

آنگاه دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای خسرو ریگی نماینده خاش چنین توضیح داد: «پس از استماع توضیحات آقای ریگی دریافت و بررسی شکایت‌نامه‌های متعددی که به این کمیسیون رسیده و نیز تحقیق ۱۲ نفر از اعضای کمیسیون که به منطقه مسافرت کرده بودند، پرونده وی مردود شناخته شده. دلایل کمیسیون تحقیق عبارتند از: ۱- اعمال نفوذ هیئت نظارت انتخابات شهر که اکثر از بستگان خسرو ریگی هستند. ۲- ایجاد جو تشویش و زود و ایراد غریب و شتم به برادر رقیب انتخاباتیش که هم‌اکنون بستری و نیمه فلج است. ۳- اعمال نفوذ مقامات مسئول شهر خاش که از بستگان وی هستند. ۴- تخلف متعدد انتخاباتی. ۵- بی‌صلاحیت وی. ۶- با توجه به بافت غیرمادی و خانگی منطقه، عملکرد خوبین و همکاری آنها با رژیم شاه‌خائن و اینکه آقای ریگی از بستگان همین خوبین است و با توجه به اینکه وی ۲۳ سال ساکن آمریکا بوده است و از مسائل منطقه بکلی دور بوده و همچنین موضعگیری وی نسبت به انقلاب اسلامی، کمیسیون تحقیق پرونده انتخاباتی و نیز صلاحیت وی را مردود اعلام می‌کند. آیت‌الله لاهوتی بعنوان اولین مخالف اعتبارنامه خسرو ریگی گفت: «مخاواده ریگی در گذشته همیشه نمایندگان خاش در مجلس‌های قانونی آنروز بودند و همگی آنها از خوانین بنام منطقه بوده‌اند... من چون ۱۱-۱۰ ماه بعنوان سرپرست سیاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول فعالیت بودم، به فعالیت‌های مغرب و ضدانقلابی

را اخراج کرده بودیم ایشان مکرراً استنشاء قائل میشد و به خبرنگاران خارجی و آمریکایی اجازه بازگشت میداد» (ابوالقاسم صادق - اطلاعات - ۱۳۰۱/۹/۲۸)

«دیدم آقای جان‌دل از واشنگتن پست وارد شد، پرسیدم اینجا چه می‌کنید؟ گفت: آقای قطب‌زاده رادیو بیروت دیدم بهمن گذشته برگرد اشکالی ندارد» (همانجا).

البته در آن موقع آقای قطب‌زاده تکرار بی‌پولی خبرنگاران امپریالیستی بود. «چون با دیده هزار تومن پول هوا می‌بندند» (همانجا) اما بعد رسماً از خبرنگاران آمریکایی دفاع کرد و مخالفت خود را با اخراج آنها اعلام داشت (۲۱ فروردین - جمهوری اسلامی).

و سرانجام جانفشانی‌های «دوستان» لمر داد و خبرنگاران امپریالیستی با سم ویرس به ایران برگشتند و بطوریکه: «در حال حاضر سه کشور ژاپن، انگلستان و آلمان غربی در ایران بیشترین نماینده را دارند... سولی از خبرگزاری‌های دنیا مثل فرانس پرس، رویتر باستان-های تلویزیونی بیشتر از یک گروه ندارند...» (ابوالقاسم صادق ۱۳ خرداد ۵۹ - جمهوری اسلامی) و: «تعداد خبرنگاران خارجی در حال حاضر ۱۵۰ نفر است» (همانجا)

این هجوم خبرنگاران امپریالیستی در حالی ادامه داشت که از سوی دیگر نتوانند خبرنگاران امپریالیستی را اخراج می‌کردند: «اخراج دو خبرنگار آمریکایی و کانادایی از ایران (کیهان- ۱۳۰۱/۱۱/۲۱)». «خبرنگار شبکه (ان بی سی) آمریکا از ایران اخراج شد» (همانجا).

«خبرنگار آمریکایی از ایران اخراج شد» (جمهوری اسلامی - ۱۳۰۱/۹/۲۰).

«۳ خبرنگار آلمانی هنگام فیلمبرداری از سفارت سابق آمریکا دستگیر شدند» (امداد - ۱۳۰۱/۱۰/۲۵)

«دو خبرنگار آلمانی در تهران از ایران اخراج شد» (اطلاعات - ۱۳۰۱/۱۰/۲۲) «او گزارش داده بود که در شهرهای کردستان از سبب ناپالم علیه مردم استفاده می‌کنند.»

«خبرنگار گاردین در تهران بازداشت شد» (اطلاعات - ۱۳۰۱/۱۰/۲۲)

«خبرنگار انگلیسی از ایران اخراج شد» (امداد - ۱۳۰۱/۱۰/۲۷)

«دو خبرنگار انگلیسی از ایران اخراج شد» (کیهان - ۱۳۰۱/۱۰/۲۷)

«سیاحه‌ای از اتهامات این خبرنگاران که از سوی توشه‌نویس‌های انقلابی اخراج و از طرف دیگر توسط «دوستان» در وزارت خارجه برگردانده می‌شوند، در این سخنان مقامات مسئول کشور متمسک است: «مفروضه و زیر نظر ایران در پایان جلسه مشترک شورای انقلاب و هیات دولت، خبر خبرنگارهای امپریالیستی را تکذیب کرد گفت: در رماه گذشته میزان صدور نفذ یک میلیون یکصد و دویز بوده است نه چهارصد هزار یکصد» (جمهوری اسلامی - ۱۳۰۱/۱۰/۲۰)

مدیر کل وزارت کار: «کلیه اطلاعات و اخباری که از سوی خبرنگاری‌های خارجی در اختیار چهانیان قرار داده میشود خالص از فرش نبوده و اکثر تحریف شده...» (آزادگان - ۲۲ اردیبهشت ۵۹)

استاندار گیلان: «سفر اینها به نظر من معمولاً فریاد است و هیچ اعتقادی هم ندارند که اینها بخواهند مطلبی را که گفتیم عیناً منعکس کنند و اگر هم بخواهند بخلاف منعکس می‌کنند» (استاندار گیلان - آزادگان - ۲۱ خرداد ۵۹)

### مرکز توطئه!

خبرنگاران امپریالیستی که با کمک «دوستان» دوباره به ایران بازگشته‌اند، تا چند روز پیش در خبرگزاری فرانسه ستاد تشکیل داده و از آنجا مستقیماً بویان انقلاب ایران و رسد امپریالیست فعالیت می‌کردند و اخبار سراسر ایران دروغ به‌جهان می‌فرستادند که آخرین آنها هم تا این لحظه تحریف سخنان رئیس جمهوری ایران بوده است.

بر چهان خبرگزاری فرانسه ضروری است اما کافی نیست. خبرنگاران امپریالیستی، چنانکه تجربه نشان داده است، دشمنان انقلاب ایرانند. وظیفه آنها جاسوسی و پاسی علیه انقلاب ایران است. باید دست آنها را کوتاه کرد. باید بیدارگی خبرنگاران امپریالیستی را اخراج کرد و مانع ورودشان به کشور شد.

در چهان باید از کافی خبرنگاران مترقی وجود دارند که ماهیت انقلاب ایران را به‌روشنی و وسایل ارتباطی توده‌گرچهان بشناسانند. این امر در گرو شناختن مساله اساسی و گری می‌شود خالص و دشمنان ایران در صحنه جهانی است.

قنوات و گذار کنیم که در سابق هم همین‌ها را داشتند... آقای حائری‌زاده مخالف بی‌پایان خسرو ریگی چنین گفت: «مسلم است که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و ایادی او هم که آنها باشند، غلطی نخواهند کرد. ولی نباید جای این افراد در مجلس باشد...»

پس از وی آقای هادی تقاضا کرد که ۲ نفر از نمایندگان برای گرفتن حکم بازداشت وی به نزد آیت‌الله قنوسی بروند. دکتر سبحانی و چندین از نمایندگان این درخواست مخالفت کردند. خسرو ریگی برای دفاع از خود پشت تریبون قرار گرفت و تقاضا کرد که در جلسه فردا از خود دفاع کند. بدنبال این تقاضا عده زیادی از نمایندگان مخالفت کردند و دیالوگی یکی از منشی‌های مجلس خواستار محافظت از خسرو ریگی تا شروع جلسه آینده شد. پس از آن به‌علت تشویش‌خندان جلسه، دکتر سبحانی مجلس را بعنوان تنفیص تعطیل و بررسی پرونده آقای ریگی را به جلسه بعد موکول کرد.

در ساعت ۱۲:۳۰ مجلس دوباره رسمیت یافت. دکتر یزدی اعتبارنامه آقای اسماعیل معزی نماینده ملایر را مطرح کرد و اعلام کرد که اعتبارنامه وی با اکثریت آراء رد شده است. دکتر یزدی در توضیح دلایل رد پرونده آقای معزی، ضمن شرح نبض فداکاران اسلام و رشادت و جانبازی نواب صفوی گفت: «... ایشان از جمله کسانی بودند که در تضعیف آن سربازان فداکار کوشیدند و لذا باید سنگری غیر از مجلس شورای اسلامی برای خود بیابند...»

سپس آیت‌الله لاهوتی بعنوان مخالف از جمله گفت: «آقای معزی و شیخعلی طاهری... با عده‌ای از پارانشان که حدود ۵۰ نفر می‌شوند، با جوب و چماق به سخنرانی فداکاران اسلام در مدرسه فیهیسه حمله کردند و همان وحشیگریهای ۱۵ خرداد را به‌تولید گذاشتند. آنها فریاد می‌زدند: کو آنها کی می‌گفتند ما از برق سرنیزه نمی‌ترسیم و حال از چوبهای ما می‌ترسند...»

شجونی مخالف دیگر اعتبارنامه اسماعیل معزی نیز پس سخنانی دلایل خود را در مخالفت با این اعتبارنامه بیان کرد. وی از جمله گفت: «بعد از حادثه فیهیسه قم که تنگ سر تنگ مولوی آنها را به خاک و خون کشید و تمام قرآن‌ها و لباس طلاب را آتش زد این آقا به من گفت دیدید آقایان (منظور امام خمینی بود) چگونه قرآن را به لجن کشید؟ حالا همین آقا می‌خواهد وارث خون طلاب فیهیسه بشود!... اخیراً ایشان از قاجارچیها هم دفاع کرده‌اند و از قاجارچیها ملایر مبلغی به عنوان سیم امام گرفته‌اند. شب اعدام آنها به حجت‌الاسلام خلخال (که اینجا هم حضور دارند و می‌توانند سخنان مرا تأیید کنند) تلفن کردند که اینجا را نکشید اینجا سیم امام را داده‌اند...»

بدنبال سخنان آقای شجونی، در ساعت ۱:۱۵ بعد از ظهر جلسه تعطیل شد و بررسی اعتبارنامه و رای‌گیری بی‌رأی آن به جلسه بعدی موکول شد.

### در جلسه علنی دیروز مجلس: گروهی از نمایندگان خواهان محاکمه «خسرو ریگی» نماینده خاش شدند

### اعتیارنامه اسماعیل معزی و خسرو ریگی که در کمیسیون تحقیق رد شده بود مورد بررسی مجلس قرار گرفت.

آقای ریگی بیشتر از سایر نمایندگان آشنایی دارم... وی را باید از اینجا به آوین بفرستیم و دارستانی انقلاب هم بایستی پرونده فعالیت‌های ضدانقلابی او و خانواده‌اش را مورد بررسی دقیق قرار دهد... آیت‌الله لاهوتی در خانه سخنانش گفت: «ده این اکتفا نکنیم که اعتبارنامه ریگی را رد کنیم و او را ول کنیم تا برود و دوباره شروع به خرابکاری و ایجاد محیط رعب و وحشت تشویش کند. این گناه بزرگی است... تقاضا می‌کنم که قبل از اینکه وی به آمریکا برود و به اربابانش بیرونده او را بازداشت کرده و به آوین بفرستند تا ببیند آنگاه چه خبر است...»

مخالف پدیده اعتبارنامه خسرو ریگی چنین گفت: «من هم به دولت موقت و هم به وزارت کشور اعتراض دارم که چرا باید همه پشتیبان حساس را، بر اساس مشی سازشکاری، به یک خانواده

### در حاشیه مجلس

ورود حجت‌الاسلام خلخالی به مجلس، که بر اثر حادثه رانندگی در بیمارستان بستری شده بود، موجب جنب و جوش و شادی تماشاچیان و گروهی از نمایندگان حاضر در مجلس شد.

هنگامیکه دکتر هادی از رئیس مجلس خواست که ۴ نفر را برای گرفتن حکم بازداشت خسرو ریگی بفرستد آیت‌الله قنوسی بفرستد، دکتر سبحانی گفت: «ایمن چه فرمایشی است شما می‌کنید؟ بفرمائید!!»

شجونی در گوشه‌ای از سخنانش پیرامون مخالفت با اعتبارنامه معزی نماینده ملایر گفت: «ما فدائیان اسلام، پیشترین استفاده را جیبه ملی کرد بعد هم از پشت به حجت‌الاسلام خلخالی گفت: احسنت.»

### برای توجیه رفقای حزبی

هر هفته یکبار (از هفته آینده روزهای شنبه)، مقالاتی از نامه «مردم» که به‌رای مطالعه و بررسی رفق بویژه لازم است، به اطلاع رفقای گرامی می‌رسد. در این هفته توجیه رفقا را به مقالات زیرین جلب می‌کنیم: ۱- دو برخورد با مشکلات اساسی انقلاب (شماره ۲۷۲) ۲- دوستان و دشمنان انقلاب ایران (شماره ۲۷۳) ۳- مرد ایران دیپلوماسی مخفی برای احیای ستورامحکم (شماره ۲۷۴)

### نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دائره امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذربایجان شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۴۵۹ - ۹۳۵۷۲۸  
شماره تپکی: 214081 TPI IR

چاپ: کلاریان

## MARDOM

No. 277  
8 July 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM.  
France - 2 fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 330 L.  
USA 20 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.